

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

The Concept, Validity, and General Conditions of
Electronic Contracts in Iranian and Emirati Law: A
Reflection within Islamic Jurisprudential Schools

Authors: Mahdi Sajadikia | Ghafoor Khoeini | Alireza Salehifar

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248182.3764>

مفهوم، اعتبار و شرایط عمومی صحت قراردادهای الکترونیکی
در حقوق ایران و امارات؛ درنگی در فقه مذاهب اسلامی

نویسندگان: مهدی سجادی کیا | غفور خویی | علیرضا صالحی فر

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248182.3764>



Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.

The Concept, Validity, and General Conditions of Electronic Contracts in Iranian and Emirati Law: A Reflection within Islamic Jurisprudential Schools

Mahdi Sajadikia • PhD Student in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences,
Kharazmi University, Tehran, Iran. mahdisajadikia@khu.ac.ir

Ghafoor Khoeini • Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political
Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
ghkhoeini@khu.ac.ir

Alireza Salehifar • Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and
Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. salehifar@khu.ac.ir

Abstract

Context & Objective: This article addresses the concept, validity, and general conditions governing electronic contracts in the legal systems of Iran and the United Arab Emirates, situating the analysis within the jurisprudential traditions of Islamic schools of thought. The study responds to the growing significance of electronic contracts in an era of expanding digital commerce and transnational transactions. Despite the enactment of Iran's Electronic Commerce Law in 2003, the jurisprudential basis for the legitimacy of such contracts remains underexplored. The central research question concerns how Iranian and Emirati law, grounded in Shia and other Islamic jurisprudential schools, conceptualize and regulate electronic contracts, and to what extent these frameworks align or diverge in theory and practice.

Method & Approach: The study employs a doctrinal research methodology combined with a comparative legal approach. It reviews the foundational principles of contract law in both Iran and the UAE, assessing their applicability to electronic contracts. Through comparative analysis, the article examines statutory frameworks alongside jurisprudential reasoning derived from Shia and other Islamic schools, with the aim of clarifying the scope, requirements, and legal recognition of electronic contracts in the two systems.



Findings: The analysis reveals that Iranian and Emirati legal systems share a common foundation regarding the general conditions of contractual validity, such as consent, legal capacity, lawful subject matter, and compliance with formal requirements. Nevertheless, the adaptation of these conditions to electronic contracts introduces notable distinctions in application, particularly concerning modes of expression and evidentiary standards. The findings also demonstrate that Islamic jurisprudential principles exhibit a degree of flexibility, enabling them to accommodate modern mechanisms of contract formation, including electronic data exchanges and digital platforms, without undermining their doctrinal integrity.

Conclusion: The study concludes that the convergence of Islamic jurisprudential principles with contemporary legal requirements facilitates the effective regulation of electronic contracts within Iranian and Emirati legal systems. While both frameworks recognize the legitimacy of such contracts, their practical implementation reflects nuanced differences in interpretation and procedure. This alignment between traditional jurisprudence and modern commerce contributes to the evolution of regulatory and legislative models in Islamic countries, enhancing the capacity of legal systems to address the demands of digital economies.

Keywords: General Principles of Contract Law, Electronic Contract, Electronic Commerce, Comparative Islamic Jurisprudence.

مفهوم، اعتبار و شرایط عمومی صحت قراردادهای الکترونیکی در حقوق ایران و امارات؛ درنگی در فقه مذاهب اسلامی

مهدی سجادی کیا • دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

mahdisajadikia@khu.ac.ir

غفور خویی نی • استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

ghkhoeini@khu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

علیرضا صالحی فر • دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

salehifar@khu.ac.ir

چکیده

در این نوشتار، مفهوم، اعتبار و شرایط عمومی صحت قراردادهای الکترونیکی، در نظام‌های حقوقی ایران و امارات با تأکید ویژه بر مبانی فقهی مذاهب اسلامی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. در عصری که تعاملات دیجیتال نقشی فزاینده در روابط تجاری ایفا می‌کنند، قراردادهای الکترونیکی به یکی از شیوه‌های رایج انعقاد قرارداد میان اشخاص در بستر فراملی تبدیل شده‌اند. اگرچه در نظام حقوقی ایران قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسیده، اما مبانی فقهی این قراردادها همچنان نیازمند بررسی‌های عمیق‌تر است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران و امارات، با مرور اصول بنیادین قراردادی و تطبیق آن بر قراردادهای الکترونیکی، به تبیین و مقایسه جایگاه آن در فقه امامیه و دیگر مذاهب می‌پردازد. یافته‌های جستار نمایان‌گر است که در هر دو نظام حقوقی ایران و امارات، در شرایط عمومی صحت قراردادها، قرابت‌هایی یافت می‌شود، هر چند که تطبیق و اجرای این شرایط عمومی در قراردادهای الکترونیکی متفاوت با عقود سنتی است. به علاوه، قواعد فقهی مذاهب اسلامی ظرفیت تطبیق با روش‌های نوین انعقاد قرارداد، مانند تبادل داده‌های الکترونیکی و پلتفرم‌های دیجیتال را داراست و هم‌گرایی قواعد فقهی و الزامات حقوقی نوین، به تبیین بسترهای توسعه مقررات و تقنین در کشورهای اسلامی، کمک شایانی خواهد کرد.

واژگان کلیدی: قواعد عمومی قراردادها، قرارداد الکترونیکی، تجارت الکترونیک، فقه مقارن.



مقدمه

یکی از نمونه‌های بارز تعامل‌های اجتماعی، انعقاد قراردادهای خصوصی است؛ به‌طوری‌که امروزه نیز مشاهده می‌شود؛ هرچند در قالب و اشکال جدیدی ظهور دارد. با گذر زمان، یکی از آثار توسعه صنعت و تکنولوژی در میان ملل مختلف، گسترش فضای غیرحقیقی یا بستر الکترونیک بوده است. این امر موجب شده است که تمام جوانب مختلف زندگی انسانی تحت تأثیر قرار گیرد و برای همسو شدن با این رخداد، اقدامات وسیعی در حال شکل گرفتن است.

بازرگانان به‌عنوان اشخاص پیش‌گام در معاملات تمایل دارند تا از بستر مناسب‌تری که سرعت و سهولت در انعقاد قرارداد را به همراه داشته باشد، استفاده کنند. از همین رو و برای نیل به این هدف، استفاده از فضای مناسب الکترونیکی جهت انعقاد قراردادها مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که جامعه استفاده از فضای مطلوب الکترونیکی را بر مکاتبات کاغذی ترجیح می‌دهد. قراردادهای الکترونیکی امروزه طیف گسترده‌ای از معاملات را به خود اختصاص داده‌اند؛ به‌طوری‌که اشخاص در سراسر دنیا، فارغ از بعد مسافت، از این طریق اقدام به انعقاد قرارداد می‌کنند و به‌تبع، آثار ناشی از آن را بر عهده می‌گیرند.

در این پژوهش با تأکید بر مبانی فقهی و حقوقی نظام حقوقی ایران و مطالعه و بررسی حقوق امارات و مذاهب اسلامی، به مفهوم، اعتبار و شرایط صحت قراردادهای الکترونیکی پرداخته خواهد شد. امروزه در نظام حقوقی ایران با تصویب قانون تجارت الکترونیک، اعتبار قراردادهای الکترونیکی مورد ادعا قرار گرفته، لیکن نسبت به بررسی مبانی فقهی و حقوقی آن توجه و ملاحظه لازم به عمل نیامده و ادبیات نظری درباره مبانی این قراردادها همواره قابل پرورش است. غنای بیشتر در ادبیات مبانی قراردادهای الکترونیکی، توسعه و توجه لازم و غفلت از آن، نتیجه عکس یعنی بی‌توجهی به آن را به همراه خواهد داشت. در ادامه، پس از بررسی اعتبار این قراردادها، شرایط عمومی صحت مورد بررسی و مذاقه قرار خواهد گرفت. بنابراین، مسئله نخست این است که قراردادهای الکترونیکی در نظام حقوقی ایران و امارات از چه مبانی فقهی و حقوقی برخوردار است و آیا هم‌عرض با قراردادهای سنتی معتبر شناخته می‌شود؟ مسئله دوم، شناخت دقیق شرایط صحت قراردادهای الکترونیکی است که به‌طور تطبیقی مورد نظر نگارنده است.

مطالعه تطبیقی اعتبار و شرایط صحت قراردادهای الکترونیکی با امارات متحده عربی از چند جهت ضرورت دارد. اولاً، امارات متحده عربی به‌عنوان یکی از همسایگان ایران، مراودات تجاری

و اقتصادی بسیاری با ایران داشته و دارد (مشفق، ۱۴۰۱، ص. ۴۳). ثانیاً، امارات مشابه ایران به‌عنوان کشور اسلامی، قوانین مبتنی بر فقه دارد و از مناسبات دینی و مذاهب اسلامی متأثر است. ثالثاً، امارات با ایجاد زیرساخت‌های مناسب، نسبت به توسعه فناوری اهتمام داشته و در این زمینه موفقیت‌هایی کسب و قوانین متعددی را تصویب کرده است. بنابراین، مطالعه تطبیقی در این باره، علاوه بر شناسایی حقوق و رویکرد قانون‌گذار امارات، می‌تواند ظرفیت‌های حقوقی و تجاری قابل استفاده را نمایان سازد و تفاوت‌های موجود را معرفی کند.

از طرفی بررسی و اشاره مصداقی و موردی قوانین فرانسه و مبانی حقوقی آن خالی از لطف نخواهد بود؛ زیرا حقوق فرانسه به‌عنوان حقوق پیشرو و غنی رومی-ژرمنی، در سالیان متمادی همواره محل اقتباس سایر کشورها بوده و حقوق ایران و سایر کشورهای عربی همچون امارات، تأثیری از آن پذیرفته‌اند.

نکته قابل ذکر این است که توجه به قراردادهای الکترونیکی و توسعه تجارت الکترونیک علاوه بر اینکه توسعه‌یافتگی کشورهای توسعه‌یافته را افزایش می‌دهد، کشورهای درحال توسعه را نیز به سمت توسعه‌یافتگی سوق می‌دهد. به همین جهت شاید بتوان ادعا کرد که تجارت الکترونیک و غنای این حوزه سود بیشتری عاید کشورهای درحال توسعه خواهد کرد (Panagariya, 2000, p. 15).

نسبت به پیشینه پژوهش حاضر در خصوص قراردادهای الکترونیکی باید اذعان داشت، غالب نویسندگان به بررسی این قراردادها از حیث انعقاد و ساختار (مقامی‌نیا، ۱۳۹۱، ص. ۸۵؛ بختیاروند، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۵؛ بنانیاسری، ۱۳۸۵، ص. ۵۴) پرداخته و در مبانی و شرایط صحت چندان بحث را به تفصیل نکرشاند و مؤثر واقع نشده‌اند. برخی نیز مبتنی بر قواعد عمومی قراردادها، بدون تمرکز بر مبانی، به مفهوم و ماهیت قراردادهای الکترونیکی اشاره داشته‌اند (شفیعی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۷۱۱).

علاوه بر مطالب و آثار ارزشمند نویسندگان فوق، لازم به بیان است که برخی در مباحث مبسوط حقوق فناوری اطلاعات، با اشاره به قراردادهای الکترونیکی، جوانب مختلف این نهاد حقوقی را به‌دقت مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. در این پژوهش علاوه بر نگاه به تجارت الکترونیک در ایران و برخی کشورهای مختلف و تاریخچه آن، شرایط اساسی تشکیل قراردادهای

الکترونیکی بر اساس اصول حقوقی ایران بررسی شده است. تمرکز نویسنده در این باره بیشتر بر جنبه اثباتی شرایط اساسی یا همان شرایط عمومی صحت قراردادهاست و چندان شرح و بسطی در مبانی فقهی و حقوقی قراردادهای الکترونیکی مشهود نیست (حبیبزاده، ۱۳۹۰، ص. ۳۲). بررسی تطبیقی و ارائه قرائتی تفصیلی از مفهوم و مبانی حقوقی و فقهی در بخش نخست و بررسی شرایط عمومی صحت در بخش دوم با رویکرد تطبیقی در حقوق امارات و توجه به مذاهب اسلامی امامیه و عامه، وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های فوق‌الذکر خواهد بود.

۱. مفهوم و مبانی قراردادهای الکترونیکی در ایران و امارات

برای آنکه بتوان حکم صحیح و قابل اعمال در خصوص قراردادهای الکترونیکی را شناسایی کرد، ابتدا باید مفهوم این نوع قراردادها و سپس مبانی آن‌ها را شناخت. در این بخش، ابتدا مفهوم و سپس مبانی قراردادهای الکترونیکی در ایران و امارات مورد فحص و تتبع قرار می‌گیرد.

۱.۱. مفهوم قرارداد الکترونیکی

عبارت «قرارداد الکترونیکی»، از دو جز «قرارداد» و «الکترونیکی» ساخته شده و نوعی از قراردادهای مستعمل امروزی در بستر پلتفرم‌ها را به ذهن متبادر می‌سازد. برای شناخت بیشتر، نگاه جزئی‌تر در این باره لازم است.

در معنای عام، قرارداد اعم است از عقود معین و نامعین. در تعریف واژه قرارداد بیان کرده‌اند (شهیدی، ۱۳۹۳، ص. ۴۱) که قرارداد در معنای خاص کلمه، صرفاً مشتمل بر عقود نامعین است، لیکن واژه عقد در معنای خاص فقط شامل عقود معین می‌شود و نمی‌توان عقود نامعین را در آن داخل کرد. با این توضیح، مشخصاً در معنای عام کلمه تفاوتی میان عقد و قرارداد وجود ندارد و هر دوی آن‌ها اشاره به عقود معین و نامعین دارند.

نکته مهم این است که در قراردادهای الکترونیکی، آیا کلمه «قرارداد» در معنای خاص یا در معنای عام کلمه مستعمل می‌شود؟ در واقع، قرارداد الکترونیکی، شیوه‌ای برای انعقاد عقود معین و نامعین است که از طریق فضای الکترونیک صورت می‌گیرد. بنابراین، کلمه «قرارداد» در عبارت «قرارداد الکترونیکی» در معنای عام مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر عقود معین و نامعین دلالت دارد.

نکته قابل ذکر دیگر اینکه، واژه‌های عقد و قرارداد به معنای همکاری متقابل اراده دو یا چند شخص در راستای ایجاد ماهیت حقوقی است (شهیدی، ۱۳۹۳، ص. ۴۰) و دربرگیرنده ایقاعات نیست. بنابراین، با توجه به اینکه ممکن است ایقاعات در بستر پلتفرم‌ها و به‌صورت الکترونیکی ایجاد شوند، در عبارت قراردادهای الکترونیکی نمی‌گنجند. برای برون‌رفت از این محدودیت، بهتر است که واژه معامله را جایگزین قرارداد کرد؛ زیرا معامله در معنا خیلی اعم، دلالت بر تمام عقود و ایقاعات دارد (شهیدی، ۱۳۹۳، ص. ۴۱). به عبارت دیگر، این عنوان به دلیل جامعیت بر تمام عقود اعم از معین و نامعین و ایقاعات دلالت دارد؛ البته گفتنی است که برخی عقود مانند عقود تشریفاتی، عقود عینی و عقد نکاح از طریق قراردادهای الکترونیکی قابل انعقاد نیستند (السان و رضایی، ۱۳۸۶، ص. ۴۰).

واژه «الکترونیکی» به هرگونه فرایند، ابزار یا محیطی اشاره دارد که در آن، داده‌ها یا اطلاعات از طریق فناوری‌های دیجیتال و ابزارهای مبتنی بر الکترون منتقل، پردازش یا ذخیره می‌شوند. به عبارت دیگر، اصطلاح «الکترونیکی» شامل هر نوع فناوری است که از قابلیت‌های الکتریکی، دیجیتال، مغناطیسی، بی‌سیم، نوری یا الکترومغناطیسی برای ایجاد، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش اطلاعات در قالب الکترونیکی استفاده می‌کند (Reed, 2011, p. 45).

در نظام حقوقی امارات، مطابق قانون معاملات الکترونیکی و خدمات اعتماد مصوب سال ۲۰۲۱^۱، ذیل بند ۸ از ماده ۱، «الکترونیکی» را به معنای الکترومغناطیسی، الکترونوری، دیجیتال، نوری یا مشابه آن آورده است.^۲ همچنین، در قانون سابق معاملات الکترونیکی مصوب ۲۰۰۶^۳ امارات، ماده ۱ در این باره گفته بود «آنچه به فناوری‌های نوین مربوط است و دارای قابلیت‌های برقی، دیجیتال، مغناطیسی، بی‌سیم، نوری، الکترومغناطیسی، خودکار یا مشابه آن است».

معنای مورد نظر از الکترونیک در این پژوهش نیز مطابق آنچه در فوق بیان شد، فضای غیرحقیقی و مجازی است. به عبارتی، هرگونه اقدامی که در بستر فضای غیرحقیقی و بر اساس الکترون‌ها ایجاد می‌شود، مورد نظر است؛ یعنی فضای غیرحقیقی (مجازی) که در آن اراده‌ها ابراز

۱. موسوم بقانون اتحادی رقم (۴۶) لسنة ۲۰۲۱ بشأن المعاملات الإلكترونية وخدمات الثقة.

۲. الکترونی: كهرومغناطیسی أو كهروضوئی أو رقمی أو ضوئی أو ما شابه ذلك.

۳. القانون الاتحادي رقم (۱) لسنة ۲۰۰۶ بشأن المعاملات والتجارة الإلكترونية.

و در تقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و سرانجام منجر به ایجاد ماهیت حقوقی در عالم اعتبار می‌شود، الکترونیکی نامیده می‌شود.

همچنین، وفق ماده ۱ قانون در خصوص معاملات الکترونیکی و خدمات اعتماد امارات، در تعریف قراردادهای الکترونیکی از واژه معامله استفاده شده و در تعریف آن آمده است «هر معامله‌ای که به صورت کلی یا جزئی به شکل الکترونیکی انجام، اجرا، ارائه یا صادر شود شامل قراردادها، توافق‌نامه‌ها و دیگر معاملات و خدمات»^۱. تأکید بر واژه معامله پس از وضع عبارت قراردادها در این ماده بعید است که مسامحتاً یا از غفلت یا تکرار باشد و به نظر می‌رسد اشاره به معنای عام معاملات دارد. حسب فحوص و جست‌وجو، هرچند در نظام حقوقی امارات دسته‌بندی و تقسیمی میان واژگان عقد و معامله دیده نمی‌شود و دکتترین حقوقی در این باره ساکت است، به نظر می‌رسد با توجه به رویکرد فقهی موجود در این قانون^۲ و نظر به اینکه در مذاهب تسنن، مباحث فقهی به تفکیک در دو دسته عبادات و معاملات بررسی می‌شود، باید معامله را اعم از عقود معین و نامعین و حتی ایقاعات تلقی کرد. در همین رابطه، غزالی، فقیه نامدار سنی، در کتاب/حیاء علوم/الدین، تمام احکام و مقررات فقهی و اخلاقی اسلام را به چهار گروه عبادات، عادات (معاملات)، منجیات و مهلکات تقسیم می‌کند (برجی، ۱۳۷۴، ص. ۲۵۷) و معاملات (اعم از عقد و ایقاع) را در برابر عبادات قرار می‌دهد.

برخی دیگر در تعریف قرارداد الکترونیکی آورده‌اند «قرارداد الکترونیکی توافقی است که از طریق ابزار الکترونیکی ایجاد و امضا می‌شود» (Rosas, 2004, p. 65) و برخی دیگر گفته‌اند «به قراردادهای کالا و خدماتی اطلاق می‌شود که تماماً یا بخشی از فرایند آن از طریق داده‌های الکترونیکی صورت می‌گیرد» (Jung, 2000, p. 75).

۱. أي معاملة يتم إبرامها أو تنفيذها أو توفيرها أو إصدارها كلياً أو جزئياً بشكل إلكتروني وتشمل العقود والاتفاقيات وغيرها من المعاملات والخدمات الأخرى.

۲. ماده ۱ قانون امارات متحده عربی در این خصوص بیان می‌دارد که در مواردی که نص صریحی وجود نداشته باشد، بر اساس شریعت اسلامی حکم می‌کند: «...فإذا لم يجد القاضي نصاً في هذا القانون حكم بمقتضى الشريعة الإسلامية، على أن يراعى تخير أنسب الحلول من مذهبي الإمام مالك والإمام أحمد بن حنبل فإذا لم يجد فمن مذهبي الإمام الشافعي والإمام أبي حنيفة حسبما تقتضيه المصلحة...».

نظر به آنچه بیان شد، در تعریف قراردادهای الکترونیکی باید گفت ماهیت حقوقی ایجادشده با دو اراده یا بیشتر در عالم اعتبار که از طریق ابزارهای الکترونیکی در فضایی غیرحقیقی که توسط الکترون‌ها به وجود می‌آید، قرارداد الکترونیکی است. بدیهی است که تعریف فوق تنها دربردارنده عقود اعم از معین و نامعین است و در صورتی که مقصود از ماهیت حقوقی اعم از عقود و ایقاعات باشد، باید از عبارت «معاملات الکترونیکی» استفاده کرد. بنابراین، به‌طور خاص در تعریف ایقاعات الکترونیکی باید گفت ماهیت حقوقی ایجادشده با یک اراده در عالم اعتبار و به‌واسطه ابزارهای نوین الکترونیکی در فضایی غیرحقیقی که توسط الکترون‌ها به وجود می‌آید، ایقاع الکترونیکی است.

۲.۱. مبانی قراردادهای الکترونیکی

در فقه امامیه، افزون بر «تلف حقیقی» در برابر «تلف حکمی»، در موارد بسیاری، «حقیقت امری» یا «واقعیت چیزی» در مقابل «در حکم آن چیز» یا «به‌منزله آن شیء» قرار گرفته است.

۱.۲.۱. اصل رضایی بودن (قصدی بودن)

رضایی بودن قراردادها به این معناست که قرارداد برای منعقد شدن تنها محتاج اراده (مجموع قصد و رضا) متعاقبین است و نیاز به رکن دیگری ندارد مگر آنکه قانون یا عرف یا طرفین خلاف آن حکم کنند؛ یعنی ممکن است قرارداد بدون بیان الفاظ یا از طریق معاطات صورت گیرد و اصل نیز همین است.

الف. برخی دیدگاه‌های فقهی نسبت به معاملات معاطاتی

یکی از موضوعات اختلافی در مذاهب اسلامی، امکان انعقاد قرارداد بدون استفاده از الفاظ یا معاطات است. معاطات یعنی عقدی که در آن صیغه استعمال نشود (العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۲۲۲). به عبارتی، معاطات منحصر به دادوستد نیست و هر عملی که دلالت بر قصد داشته باشد، معاطات است ولو آنکه دادوستد فیزیکی در آن رخ ندهد. بنابراین، باید گفت معاطات هر معامله‌ای است که بدون صیغه لفظی دارای شرایط ایجاب و قبول (مثل گفت‌وگوی غیررسمی) انجام شود (ایروانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص. ۷۶).

برخی از فقهای سنی مذهب همچون مالک بن انس، احمد بن حنبل و ابوحنیفه، قائل بر نفوذ

معاطات و انعقاد قرارداد بدون استفاده از الفاظ هستند. در مقابل، برخی چون شافعی عقیده دارند که ایجاب و قبول لفظی در صحت بیع مؤثر و لازم است (المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص. ۴۸۱؛ المرغینانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص. ۲۱) و برخی با ارائه رویکردی متفاوت، صرفاً معاطات در محقرات و اشیای کوچک را نافذ تلقی کرده‌اند (الخطیب الشربینی الشافعی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۳۲۶).

در میان فقهای امامیه نیز بیان شده است که معاطات مفید اباحه تصرف است و ملکیت به شرط تلف یکی از عوضین حاصل می‌شود (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص. ۴۴). صاحب حدائق با عقیده بر اینکه صرف رضایت قلبی و معاطات برای انعقاد عقد کفایت نمی‌کند، بیان می‌دارد «برخی از فقها که معاطات را کافی نمی‌دانند، معتقدند اگر قرارداد بدون لفظ، اما با جمع سایر شرایط منعقد شود، هرچند صحیح است، اما لازم نیست» (البحرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۸، ص. ۳۵۶). در همین خصوص، علامه حلی قائل بر بطلان معاملات فاقد لفظ است و برخی دیگر از جمله شیخ مفید به نقل از مرحوم روحانی، سید یزدی و غیره، قائل بر صحت و لزوم این معاملات هستند (روحانی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص. ۴۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۶۶).

ب. ایرادات وارد بر دیدگاه‌های فقهی

در وهله نخست باید بیان داشت که عقیده بر بطلان معاملات فاقد لفظ غیرقابل پذیرش است؛ زیرا سبب انعقاد قرارداد قصد انشایی متعاقدين است نه لفظ. به عبارتی، لفظ رکن سازنده نیست، بلکه کاشف خارجی رکن سازنده (قصد) است که به هر نحوی قابلیت ابراز دارد؛ گاه از طریق لفظ، گاه معاطات و گاه ارتباطات داده‌ای و الکترونیکی؛ همان‌طور که برخی عقیده دارند برای انعقاد عقد، شرط قلبی (قصد انشا) کافی نیست و باید انشای خارجی وجود داشته باشد که البته منظور از انشای خارجی، کاشف انشای قلبی است. کاشف خارجی ممکن است لفظ یا حتی قبض و اقباض باشد که این دادوستد حمل بر ایجاب و قبول می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۶۶). درهرحال، انشای قلبی عنصر سازنده (ماده ۱۹۱ قانون مدنی) و برای ایجاد آثار حقوقی نیازمند کاشف خارجی است که مرحوم سید یزدی از آن با عنوان انشای خارجی یاد می‌کند.

گروه دیگر قائل بر آن هستند که فقدان لفظ در عقود تنها موجب اباحه تصرف خواهد شد بدون آنکه ملکیتی برای متصرف ایجاد شود. ملکیت فقط در صورتی ایجاد می‌شود که یکی از عوضین از بین برود ولو آنکه عوض دیگر موجود باشد. به نظر می‌رسد این گروه قائل هستند که لحظه‌ای

قبل از تلف مال، تملیک عوضین به اطراف عقد رخ می‌دهد؛ زیرا پس از آنکه تلف صورت گیرد، امکان تملیک عوضین وجود ندارد و اساساً قرارداد به دلیل فقدان یکی از ارکان قراردادی (عوضین) باطل است (مواد ۳۴۸ و ۳۶۱ قانون مدنی). بنابراین، تنها فرض ایجاد مالکیت، لحظه‌ای قبل از وقوع تلف است مانند آنچه در تلف مبیع قبل از قبض بیان شده است و ایجاد مالکیت را قبل از تلف ادعا کرده‌اند (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص. ۱۴۹).

این عقیده قابل پذیرش نیست؛ زیرا اولاً، عقود تابع قصدهای طرفین عقد است و نمی‌توان به دلیل فقدان لفظ، برخلاف خواست و قصد طرفین، عقد محقق شده را به اباحه تصرف تعبیر کرد و برای گریز از آثار منفی آن، ایجاد مالکیت را منوط به تلف یکی از عوضین دانست؛ زیرا به بیان برخی ممکن است قصد طرفین از تسلیم و تسلیم مال، تملیک باشد نه اباحه تصرف (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص. ۲۳). ثانیاً، اعتقاد بر اباحه تصرف در عقود منعقدۀ فاقد لفظ باید جایز تلقی شود در صورتی که این برخلاف اصل لزوم قراردادهاست. منطقی است که مطابق اراده طرفین و نظر به امارات و عرف معاملاتی، عقود، معاطاتی تفسیر شوند و احکام متناسب صادر شود. بدین جهت که تفسیر باید قرابت بیشتری با اصول حقوقی داشته باشد. بنابراین، عقیده بر اباحه تصرف با اصول حقوقی ازجمله اصل لزوم همخوانی ندارد.

نسبت به عقیده برخی دیگر که عدم استعمال لفظ را سبب جواز عقد می‌دانند نیز باید اظهار داشت که در موارد شک و اجمال، تفسیر قرارداد و تراضی طرفین باید منطبق بر اصول حقوقی ازجمله لزوم قراردادها باشد. عقیده بر جواز معاطات مخالفت صریح با آیات^۱ و روایت مسلم^۲ دارد. در این باره برخی فقها بیان می‌دارند مستند به حدیث (و حتی آیه شریفه)، قراردادهای منعقدۀ (به‌طور عام و مطلق) لازم بوده و این لزوم درحقیقت، انشای حکم است. مرحوم آخوند خراسانی بیان می‌دارد «همان‌طور که در اصول فقه آمده است، منظور از جمله خبری در مقام انشاء، اعلام نیست، بلکه بعث است و به قول فقیهان چنین جمله‌ای آکد در بعث است؛ چنان‌که گویی گوینده جز به وقوع مدلول جمله راضی نیست» (آخوند خراسانی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۷۱). شیخ اعظم نسبت

۱. یا ایهاالذین آمنوا أوفوا بالعقود. در تفسیر این آیه شریفه متذکر شده‌اند که بر تمام عقود و شروط دلالت دارد که در بخش اصل آزادی قراردادی بررسی می‌شود.

۲. المؤمنون (المسلمون) عند شروطهم.

به لزوم قراردادهای فراتر می‌رود و با استناد به روایت بیان می‌دارد مفاد جمله مزبور نه فقط حکم وضعی، بلکه حکم تکلیفی است (انصاری (شیخ)، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص. ۲۳).

براین اساس، تعبیر معاطات به بطلان، اباحه تصرف یا عقدی جایز، همخوانی و قرابتی با مبانی و حتی اصول حقوقی و مذاهب فقهی ندارد و همان‌گونه که ملاحظه شد، نظر غالب بر پذیرش عقود فاقد لفظ است و از حیث اهمیت، اعتبار و لزوم تفاوتی با سایر عقود ندارد و مبتنی بر اصول حقوقی تفسیر می‌شود.

ج. پذیرش اصل رضایی بودن در معاملات الکترونیکی

اصل رضایی بودن یا قصدی بودن معاملات (شهیدی، ۱۳۹۳، ص. ۸۵) به‌عنوان اصل حقوقی در نظام‌های حقوقی بسیاری از جمله ایران^۱، امارات^۲، فرانسه^۳، مصر^۴ و سوریه^۵ و... به چشم می‌خورد و به‌عنوان مهم‌ترین مبنای قراردادهای الکترونیکی نیز به شمار می‌رود. این اصل منطبق با عرف معاملاتی و اصل حاکمیت اراده است. به تعبیری، عرف برای انعقاد قرارداد در موارد سکوت، اراده طرفین را کافی دانسته و غیر از ایجاب و قبول، رکن سوم را که مشکوک است، داخل نمی‌داند. مطابق اصل رضایی بودن قراردادهای، آنچه برای انعقاد قرارداد موضوعیت دارد، قصد انشاست و در موارد شک در شرطیت جزء یا رکن دیگر، اصل عدم یا به عبارت بهتر، عدم شرطیت یا عدم جزئیت مطرح است. مشابه این استدلال را برخی بیان کرده‌اند (حمیدی، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۷). در این باره می‌توان استدلال کرد که هنگامی که در دخول جزئی شک شود که آیا آن جزء یا آن شرط سببیت دارد یا خیر، اصل براءت از شرطیت یا استصحاب عدم شرطیت اعمال می‌شود^۶.

در بحث مطروح در قراردادهای الکترونیکی، جدا از قصد انشای طرفین قرارداد، لفظ به‌عنوان

۱. ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران.

۲. مواد ۱۳۰، ۱۳۲ و مفهوم مخالف بند ۲ ماده ۱۴۶ قانون مدنی امارات.

۳. به‌صراحت، مواد ۱۱۱۳ و ۱۱۷۲ قانون مدنی فرانسه.

۴. مواد ۸۹ و ۹۰ قانون مدنی مصر.

۵. مواد ۹۲ و ۹۳ قانون مدنی سوریه.

۶. علیدوست، ۱۴۰۲/۳/۷، جلسه ۹۵.

جزء مشکوک سوم مطرح می‌شود و سؤال این است که آیا لفظ یا حتی صیغه لفظی خاصی، موضوعیت و سببیت دارد یا خیر؟ با استناد به اصل عدم جزئیت یا به تعبیری اصل برائت از شرطیت یا استصحاب عدم شرطیت سبب مشکوک، حکم به عدم لزوم لفظ یا صیغه در انعقاد قرارداد داده می‌شود. با این توضیح و استناد به اصول عملیه، اصل رضایی بودن در قراردادها و تعمیم آن به قراردادهای الکترونیکی قابل دفاع است. بنابراین، آنچه در قراردادها از جمله قراردادهای الکترونیکی اهمیت دارد و سبب انعقاد شناخته می‌شود، قصد انشاست که ممکن است به هر طریقی از جمله در فضای الکترونیک ابراز شود.

نظام حقوقی امارات نیز در مواد ۱۳۰، ۱۳۲ و ۱۴۶ قانون مدنی^۱ صحه بر رضایی بودن قراردادها گذاشته و برای انعقاد قرارداد، تنها رکن سازنده عقد یعنی قصد انشا را لازم می‌داند و استعمال لفظ یا صیغه را برای ایجاد ماهیت حقوقی ضروری نمی‌شناسد. در ماده ۱۳۰ این قانون بیان شده است «عقد زمانی منعقد می‌شود که ایجاب با قبول ارتباط یابد...». در تکمیل این رویکرد، ماده ۱۳۲ قانون مزبور مقرر داشته است که «ابراز اراده می‌تواند از طریق گفتار یا نوشتار صورت گیرد و می‌تواند به صیغه ماضی یا مضارع یا امر باشد مشروط بر اینکه منظور از آن‌ها بیان وضعیت حال باشد. همچنین، ابراز اراده می‌تواند از طریق اشاره‌ای که به‌طور عرفی شناخته شده است (حتی از فردی که لال نیست) یا از طریق مبادله عملی که نشان‌دهنده رضایت طرفین باشد یا با اتخاذ هر روش دیگری که شرایط موجود هیچ شکی در دلالت آن بر رضایت باقی نگذارد، انجام شود»^۲. علاوه بر موارد فوق، مفهوم مخالف بند ۲ ماده ۱۴۶ قانون مدنی امارات متحده عربی، دلالت بر اصل رضایی بودن قراردادها دارد. در بند ۲ این ماده آمده است «... اگر قانون برای انعقاد عقد، رعایت شکل خاصی را شرط کرده باشد، این شکل باید در توافقی که شامل وعده

۱. قانون اتحادی رقم (۵) لسنة ۱۹۸۵ باصدار قانون المعاملات المدنية.

۲. التعبير عن الإرادة يكون باللفظ أو بالكتابة ويجوز أن يكونا بصيغة الماضي كما يكونان بصيغة المضارع أو الأمر إذا أريد بهما الحال أو بالإشارة المعهودة عرفاً ولو من غير الأخرس أو بالمبادلة الفعلية الدالة على التراضي أو باتخاذ أى مسلك آخر لا تدع ظروف الحال شكاً في دلالة على التراضي.

انعقاد عقد است نیز رعایت شود»^۱. مفهوم مخالف این عبارت بیان می‌کند که اگر رعایت شکل خاصی برای انعقاد قرارداد وجود نداشته باشد، عقد آتی و وعده به انعقاد عقد آتی، نیاز به تشریفات ندارد؛ زیرا اصل بر این است که انعقاد قرارداد به صرف برخورد دو اراده منعقد می‌شود. این عقیده به عنوان قاعده عام بر تمام قراردادهای از جمله قراردادهای الکترونیکی حکومت دارد.

۱.۲.۲. اصل اباحه

گام اول در استناد به اصل اباحه این است که موضوع قابل بحث ذیل اصل اباحه شناسایی شود. قراردادهای الکترونیکی ممکن است معین یا نامعین باشند؛ یعنی ممکن است قراردادی مثل بیع یا اجاره در بستر فضای الکترونیکی منعقد شود و در مواردی هم ممکن است عقد نامعینی مثل ارائه برخی خدمات در بستر الکترونیک منعقد شود. بنابراین، موضوع اصل اباحه قرارداد نیست؛ زیرا قراردادهای منعقد در فضای الکترونیک از جمله عقود معین و نامعین (ماده ۱۰ قانون مدنی) هستند و از اعتبار نیز برخوردارند. لازم به توجه است که قراردادهای الکترونیکی نوع خاصی از قرارداد نیستند که جریان اصل اباحه در آنها مورد بررسی قرار گیرد، بلکه روشی برای انعقاد قرارداد هستند؛ همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد؛ یعنی ممکن است قراردادی مثل بیع به روش الکترونیکی منعقد شود. با این توضیح مشخص می‌شود که موضوع اصل اباحه در قراردادهای الکترونیکی، روش انعقاد قرارداد است نه نوع قرارداد از حیث ماهیت. به عبارتی، استفاده از روش‌های موجود در فضای الکترونیکی برای ابراز اراده کاربران از راه دور و در نتیجه، انعقاد قرارداد، بر اساس اصل اباحه نیازمند توجیه است.

اصل اباحه به معنای حکم اولی عقل به جواز تصرف در اشیا با قطع نظر از وجود شرع و حکم شارع نسبت به آنهاست (جزایری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص. ۴۰۰). هرچند به عقیده برخی از فقهای معتزله، اصل اباحه تقدمی بر حظر ندارد، در میان بسیاری از فقهای تسنن (آمدی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص. ۱۰۷) و فقهای امامیه، اعتقاد بر این است که حکم عقل و حکم شرع نسبت به تصرف در اشیا، بر اصل اباحه قائم است و از این جهت منعی وجود ندارد. مرحوم شیخ انصاری در این باره معتقد

۳. و إذا اشترط القانون لتمام العقد استيفاء شكل معين فهذا الشكل تجب مراعاته أيضاً في الاتفاق الذي يتضمن الوعد بإبرام هذا العقد.

است «در بحث شک در مورد حرمت یا جواز فعل، اصل بر جواز و عدم تحریم است» (انصاری (شیخ)، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۲۸۷). همچنین از محقق اصفهانی نقل شده است «اگر فرض کنیم که فعلی از منع یا ترخیص خالی باشد، به این معنا که هیچ حکمی درخصوص آن به ما نرسیده باشد، انجام آن عمل مخالف حق عبودیت نخواهد بود و بنا بر منطق، اصل بر اباحه است مگر آنکه منع در آن به ما برسد» (انصاری (محمدعلی)، ۱۴۱۵ق، ص. ۴۳۹).

بسیاری از فقهای تسنن با استناد به روایات متعدد، اصل اباحه را در مسائل غیرعبادی به خصوص در معاملات اعم از نوع، محتوا و روش انعقاد آن جاری دانسته و به آن حکم داده‌اند (سالم، ۲۰۰۳م، ج ۴، ص. ۳۵۲؛ القاری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص. ۳۳۷۵؛ العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص. ۲۶۹؛ الدبیان، ۱۴۳۲ق، ج ۵، ص. ۵۱۲). فقهای تسنن با بیان عبارت «المصالح المرسله»، ملاک را مصلحت مردم معرفی و بر اساس مصلحت مردم، اباحه در امور نوظهور را ادعا کرده‌اند (Mohammed, 1988, p. 126). مطابق ماده ۱ قانون مدنی امارات، این رویکرد فقهی در منابع تسنن مورد تأکید و توجه ویژه است و باید آن را مبنای معاملات امارات تلقی کرد.

وفق مذاهب اسلامی اعم از فقه امامیه و منابع مبنایی فقهی در حقوق امارات، روش الکترونیکی در انعقاد قراردادهای الکترونیکی و ابراز اراده از طریق این واسطه‌ها با هیچ مانع شرعی و قانونی مواجه نبوده و بر مبنای اصل اباحه که مورد استناد بسیاری از فقهای امامیه و مذاهب اسلامی است، قابل توجیه و دفاع است. همچنین، قابل ملاحظه است که از شارع بما هو شارع، یافت نمی‌شود که نسبت به برچیدن معاملات رایج بین مردم و اختراع معاملات نوظهور (و روش انعقاد آن) همت گمارده باشد، بلکه به امضا و ردع و نیز جرح و اصلاح همان قوانین دست‌ساخته بشر که مطابقت با مقتضیات زمان و مکان دارد، توجه ویژه داشته است (مؤذنی و کیخا، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۵). احکام معاملاتی تابع مقاصد عرفی در حدود شریعت اسلامی است. مستند به فرمایش فقها (الجواهری، ۱۴۴۰ق ج ۱، ص. ۲۶۵؛ الحسینی المیلانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص. ۱۴۲)، ملاک اصلی اعتبار معاملات، حرام نکردن حلال و حلال نکردن حرام است^۱. معاملات و احکام آن‌ها که غالباً امضایی هستند، وابسته به عرف و اقتضائات اجتماعی، زمانی و مکانی است. در واقع، معاملات

۱. وَلَا يُحْرَمُ حَلَالًا وَلَا يُجِلُّ حَرَامًا.

برخاسته از عرف جامعه هستند و به جهت نظم و نسق بخشیدن به اجتماع و روابط اجتماعی پدید می‌آیند و بیش از هر چیز دیگر، نیاز و اقتضائات عرفی برای وضع احکام آن مدنظر قرار می‌گیرد. براین اساس، ممکن است حکمی که در گذشته مورد توجه بوده و بر اساس آن رأی صادر می‌شده، در حال حاضر مخالفت با اقتضائات عرفی داشته و ناکارآمد باشد (مثلاً تقدم الزام بر فسخ و تعارض با قاعده لاضرر). گزاف نیست اگر ادعا شود ملاک مشروعیت معاملات اعم از امضایی یا مستحده دو شرط است. نخست اینکه، با شرایط و اقتضائات موجود همخوانی و تناسب داشته باشد و دوم اینکه، با مقاصد و کلیات شرعی در تعارض نباشد (مؤذنی و کیخا، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۵). بنابراین، دیدگاه انقباضی و غیرمنعطف در باب معاملات، برخلاف اصول حقوقی و فقهی و شأن نزول احکام معاملاتی است که باید مطابقت با مقاصد اجتماعی داشته باشد.

۱.۲.۳. اصل صحت

برخلاف اصل اباحه که موضوع حکم، روش انعقاد قرارداد است، در اصل صحت آنچه مورد نظر قرار می‌گیرد، عقد است نه روش انعقاد آن. صحت در لغت به معنای سلامتی و تندرستی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۵۰۷) و به تعبیر مرحوم آخوند خراسانی، «صحت در مقابل فساد به همان معنای لغوی (تمامیت در برابر عدم تمامیت) است» (آخوند خراسانی، بی تا، ج ۱، ص. ۱۸۲). جناب خویی در این باره بیان می‌کند «اصل صحت به معنای حمل فعل دیگران بر وجه تام و کامل در برابر ناقص است» (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۳۲۲). به بیان ایشان، اصل صحت قاعده‌ای فقهی است و در موارد شک به حکم وضعی یک فعل از جهت اینکه آیا آن فعل تام‌الاجزاء والشرايط است یا خیر، باید آن عمل و فعل را حمل بر صحت کرد. به عبارتی، اصل صحت در مواردی جریان دارد که جزئی موجود و مشکوک باشد که آیا تمام‌کننده است یا خیر. در این حالت، با استناد به اصل صحت، تام‌الاجزا بودن ادعا و بر اساس آن، حکم به انعقاد صحیح و اعتبار ماهیت حقوقی صادر می‌شود. در صورتی که جزء مشکوک اساساً موجود نباشد، استناد به اصل صحت توجیهی ندارد و بر اساس اصل عدم، حکم به عدم ایجاد ماهیت حقوقی داده خواهد شد. به عبارتی، هنگام شک در وقوع یا عدم وقوع عقد، اصل فساد مجراست و حکم به بطلان داده خواهد شد (رضوی، ۱۴۰۲، ص. ۲۰۸).

همچنین، در این باره فقهای حنبلی با استناد به آیه وجوب وفا معتقدند که اصل جاری در

عقود، صحت و جواز است و نمی‌توان حکم بر بطلان داد مگر اینکه دلیلی کشف شود. الدبیان به‌عنوان یکی از فقهای نامدار حنبلی، در این باره قائل است که اصل صحت دلایل متعدد دارد و بیان می‌کند «لفظ "العقود" در آیه مبارکه بر تمام عقود منعقدۀ دلالت دارد» (الدبیان، ۱۴۳۲ق، ج ۵، ص. ۴۹۵).^۱ برخی دیگر در این باره ذکر می‌کنند که بر اساس حسن ظن به اعمال مسلمانان، اصلی که در عقود وجود دارد، بنای آن بر صحت است نه فساد. پس اگر عقدی بین صحت و فساد تعارض داشته باشد، بر صحت حمل می‌شود (آل بورنو، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص. ۳۰۵).

هنگامی که یک قرارداد با ایجاب و قبول از راه دور و متفاوت از لفظ و با ابزار الکترونیکی منعقد می‌شود، شک عارض‌شده نسبت به اجزای قرارداد یعنی ایجاب و قبول است. به این معنا که آیا قرارداد با صدور ایجاب و قبول به‌صورت الکترونیکی منعقد شده است یا خیر؟ در این حالت که شک نسبت به تمام‌الاجزا بودن عقد است، باید عمل صورت‌گرفته بر وجه تام و کامل تلقی شود و قرارداد را صحیح اعلام کرد. نکته قابل توجه این است که در قراردادهای الکترونیکی وجود ایجاب و قبول و اراده‌ها مشکوک نیست، بلکه شکل ظاهری آن برای انعقاد قرارداد مطمح نظر است. تفاوت این دو در این است که در موارد شک به وجود اراده، اصل عدم جاری است و نمی‌توان حکم به صحت قرارداد صادر کرد درحالی‌که در موضوع بحث ما، در وجود اراده‌ها شکی نیست، بلکه با توجه به نوع بیان اراده‌ها، شک در نقص قرارداد است. بنابراین، با استناد به اصل صحت وفق ماده ۲۲۳ قانون مدنی، معاملات منعقدۀ در بستر پلتفرم‌های الکترونیک صحیح هستند و دلیلی بر فساد این معاملات یافت نمی‌شود.

در قانون مدنی امارات نیز در مواد ۲۴۴ و ۲۵۷، به‌صورت ضمنی اشاره به اصل صحت شده است. بنا بر مواد فوق، هنگامی که توافق میان طرفین صورت بگیرد، آثار ناشی از قرارداد نسبت به طرفین منعکس می‌شود. به عبارتی، پس از انعقاد قرارداد، بنا بر اصل صحت، قرارداد صحیح و دارای آثار حقوقی و آثار آن دامن‌گیر طرفین قرارداد است.

۴.۲.۱. اصل آزادی قراردادی

اصل آزادی قراردادی که منعکس در ماده ۱۰ قانون مدنی ایران است، قراردادهای خصوصی را

۱. لفظ (العقود) ظاهره بيشمل كل عقد.

اعم از آنکه عقد اصلی باشد یا شرط ضمن آن، در صورتی که مخالفت با نظم عمومی، شرع و اخلاق حسنه نداشته باشد، معتبر تلقی کرده است. این اصل ناشی از اصل حاکمیت اراده (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۵) دارای سابقه فقهی است و فقهای امامیه (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص. ۲۵۲)، آن را مستمسک خود قرار داده‌اند. مرحوم شیخ انصاری در این باره می‌فرماید «برخلاف نظر شهید در کتاب لمعه که استنکاف از انجام شرط را جایز می‌داند، مشروطاً علیه (متعهد در عقد و سایر شروط)، ملزم به انجام تعهد است» (انصاری (شیخ)، ۱۴۱۵، ج ۶، ص. ۶۲). شیخ طبرسی نیز با استناد به آیات مذکور می‌فرماید «مراد از عقد، هر آن چیزی است که عرفاً عقد به شمار آید. بنابراین، انجام آن لازم است مگر معاونت بر امر قبیح باشد» (طبرسی (شیخ)، ۱۴۰۸، ج ۳، ص. ۲۳۴). در بین فقهای حنابله، آل بورنو در خصوص اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی معتقد است که اگر شرطی میان دو نفر منعقد شود و دارای نفعی برای یکی یا هر دو طرف عقد باشد، صحیح و دارای آثار است (آل بورنو، ۱۴۲۴، ج ۵، ص. ۸۸). همچنین، این اصل که با عنوان «خودمختاری طرفین»^۱ نیز شناخته می‌شود، توسط دیوان دادگستری اتحادیه اروپا به‌عنوان «اصل کلی حقوق مدنی» شناخته شده است و طبق ماده ۱۶ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا (آزادی انجام تجارت) مورد حمایت قرار گرفته است (Tedoradze, 2017, p. 62) و قانون مدنی فرانسه^۲ نیز پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶، به‌صراحت آن را ذکر کرده است.^۳

حال با ذکر این مقدمه و عنایت به اهمیت فقه امامیه در نظام حقوقی ایران و فقه حنبلی در نظام حقوق امارات، مسئله حائز توجه این است که مجرای اصل آزادی قراردادی در قراردادهای الکترونیکی چیست؟ آیا خود قرارداد مورد نظر است یا شیوه انعقاد قرارداد؟ در قراردادهای الکترونیکی اصل آزادی قرارداد در دو بخش قابل بررسی است.

نخست اینکه، بر اساس اصول قراردادی و مبانی فقهی و حقوقی (اصول پیش‌تر ذکرشده)، طرفین نه تنها برای انعقاد قراردادهای خصوصی آزادند، بلکه برای روش انعقاد آن نیز با محدودیت

1. Party Autonomy.

2. Code Civil.

3. Article 1102: Chacun est libre de contracter ou de ne pas contracter, de choisir son cocontractant et de déterminer le contenu et la forme du contrat dans les limites fixées par la loi. La liberté contractuelle ne permet pas de déroger aux règles qui intéressent l'ordre public.

مواجهه نیستند مگر مخالفتی با شرع و نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشف شود و در موارد شک به وجود دلیل مخالف شرع، اصل عدم جریان دارد. به عبارتی، از نظر شکلی نیز صرف تلاقی دو اراده برای تحقق قرارداد صحیح کفایت می‌کند بی‌آنکه نیازی به تشریفات یا روش خاصی داشته باشد (ختام، ۲۰۲۳م، ص. ۲۷۳). بند ص ماده ۲ و ماده ۵ قانون تجارت الکترونیکی ایران مصوب سال ۱۳۸۲، بندهای ۹ و ۲۰ ماده ۱ و مواد ۱۰ و ۱۱، بند ۱ ماده ۱۸ و بند ۱ ماده ۲۸ قانون معاملات الکترونیکی و خدمات اعتماد امارات مصوب سال ۲۰۲۱، ماده ۱۱ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب سال ۱۹۸۰، بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی مصوب سال ۲۰۰۵، بند ۱ ماده ۱۱ و بند ۱ ماده ۱۲ قانون نمونه آنسیترال درباره تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۹۹۶ و به صراحت ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی فرانسه مبتنی بر اصل آزادی قراردادی، طرفین را نه تنها نسبت به نوع قرارداد، بلکه در نحوه انعقاد قرارداد با محدودیت مواجهه نساخته‌اند. بنابراین، متعاملین آزادند از شیوه‌های مختلف برای انعقاد قرارداد خود استفاده کنند.

دوم اینکه، بیان شد آنچه عرفاً تحت عنوان عقد به وجود آمده است، لازم‌الاتباع میان طرفین است. در اینجا ذکر دو نکته لازم است. اولاً، در انعقاد قراردادهای الکترونیکی اعم از آنکه نوع قرارداد معین باشد یا نامعین، حسب آنچه پیش‌تر در بخش اصول اباحه و صحت بیان شد، مانع شرعی و عقلی وجود ندارد و این ادعا بر اساس مواد متعددی از جمله ماده ۱۰ قانون مدنی ایران و ماده ۱۲۸ قانون امارات قابل دفاع است. ثانیاً، رجوع به عرف و استناد به آن در باب معاملات از ملزومات است؛ همان‌گونه که به بیان فقها در فوق اشاره شد. در همین راستا، قانون‌گذار امارات عرف و رفتار مردم را به عنوان حجت تلقی و از آن حمایت می‌کند. در ماده ۴۷ قانون مدنی امارات آمده است که «رفتار عمومی مردم، حجتی است که باید به آن عمل شود»^۲. در مجموع، می‌توان گفت با استناد به اصل حاکمیت اراده، اصل آزادی قراردادی و عرف،

۱. بر اساس ماده ۱۱ این کنوانسیون، طرفین در نحوه و روش انعقاد بیع مختارند و برای انعقاد مقید به هیچ قید و شرطی نیستند.

2. Article 9: Conditions de forme: 1. Aucune disposition de la présente Convention n'exige qu'une communication ou un contrat soit établi ou constaté sous une forme particulière.

۳. استعمال الناس حجة يجب العمل بها.

قراردادهای خصوصی به هر روشی که منعقد شوند، معتبرند و میان طرفین لازم‌الاجرا هستند؛ زیرا طرفین در انتخاب نوع قرارداد، محتوای قرارداد و نحوه انعقاد قرارداد مختار و آزادند مگر آنکه دلیلی مثل مخالفت شرعی یا مخالفت با نظم عمومی یا اقتضائات اجتماعی کشف شود.

۲. شرایط عمومی اعتبار در قراردادهای الکترونیکی

در نظام‌های حقوقی ایران و امارات، قراردادهای منعقد در فضای الکترونیکی، در صورت وجود شرایط اعتبار، دارای آثار شناخته شده‌اند. برخلاف جمهوری اسلامی ایران که به کنوانسیون ۲۰۰۵ استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی ملحق شده است، بر اساس شواهد موجود و حسب تتبع صورت‌گرفته، امارات به این کنوانسیون نپیوسته است، اما در راستای انعقاد قراردادهای الکترونیکی قوانین داخلی معتناهی وضع کرده است. با عنایت به موارد فوق، شرایط اعتبار این قراردادها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱.۲. قصد و رضای طرفین

در ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران، سبب انعقاد قراردادها، اراده طرفین اعلام شده است. اراده که متشکل از دو جز رضا و قصد (در طول یکدیگر) است (شهیدی، ۱۳۹۳، ص. ۵۶)، عنصر سازنده عقد شناسایی شده است؛ به‌طوری‌که از عدم آن عدم و از وجود آن وجود لازم آید (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۲۳۱). در قانون مدنی فرانسه نیز در ماده ۱۱۲۸، اراده طرفین به‌عنوان یکی از شروط ضروری اعتبار قرارداد ذکر شده است.

قانون تجارت الکترونیک ایران در بند ج ماده ۲ و ماده ۳۶ به قصد، در بند ج ماده ۱۰ و فصل اول از مبحث چهارم (ماده ۱۷) به اراده و در بند ص ذیل ماده ۲، به ایجاب و قبول (قصد انشایی) متعاقدين اشاره کرده است. بنا بر قواعد عمومی قراردادها و مواد فوق، برای انعقاد قرارداد و ایجاد ماهیت حقوقی، ابراز اراده و وجود قصد انشایی بالاترديد است. در ماده ۱۷ این قانون، اراده طرفین همان قصد انشاست که برای انعقاد قرارداد لازم و متجلی در ایجاب و قبول تعبیر شده است. روشن و مشخص بودن و صراحت مورد ارجاع در داده پیام و قبول داده پیام موضوع ارجاع در واقع، اشاره به ایجاب و قبول متعاقدين دارد و عبارات مستعمل قانون‌گذار دلالت بر آن دارد که ایجاب و قبول از طریق واسطه‌ها و داده پیام باید مبتنی بر قصد و دارای کاشف خارجی باشد. در صورت جمع این موارد، انعقاد قرارداد متصور خواهد بود.

قانون مدنی امارات با ترکیب و ساختار متفاوت‌تری، اراده و قصد انشایی طرفین را مقرر کرده است. در ماده ۱۳۱ قانون مدنی امارات بیان شده که «ایجاب و قبول عبارت از اراده‌ای هستند که برای ایجاد عقد به کار می‌رود»^۱. به نظر می‌رسد رویکرد قانون‌گذار در کیفیت بیان اراده متفاوت از سایر نظام‌های حقوقی از جمله ایران نباشد و تأکید بر انشایی بودن اراده دارد. به تعبیری، ماده ۱۳۱ قانون امارات بیان می‌کند اراده‌ای که با هدف ایجاد قرارداد صادر می‌شود، ایجاب و قبول است و کیفیت انشایی دارد. با این توضیح می‌توان نوع کیفیت اراده را از گزاره ایجاب و قبول و هم‌نشینی آن‌ها استنباط کرد. در ماده ۱۳۲ همین قانون، قانون‌گذار اعلام می‌کند که ابراز اراده باید دلالت بر توافق کند (انشایی باشد). در ادامه نیز مواد ۱۳۳ و ۱۳۴، اراده‌ای را که انشایی نیست و ماهیت حقوقی محصول آن نیست، پیشنهاد به قرارداد تلقی می‌کند و آن را موجد عقد در نظر نمی‌گیرد^۲. همچنین، بنا بر ماده ۸ قانون معاملات الکترونیکی امارات مصوب سال ۲۰۲۱، امضای الکترونیکی یا مهر الکترونیکی دلالت بر قصد طرفین دارد. ماده ۱۰ همین قانون نیز از ایجاب و قبول در راستای انعقاد عقد صحبت به میان آورده است.

۲.۲. اهلیت طرفین

مطابق قانون مدنی ایران و مستند به ماده ۱۹۰ قانون مدنی، یکی از شروط لازم برای انعقاد قرارداد اهلیت متعاقدين است. اهلیت به معنای وجود عقل، رشد و بلوغ در شخص مورد نظر است (ماده ۲۱۱ قانون مدنی ایران) و در مواقعی که یکی از این اوصاف وجود نداشته باشد، شخص فاقد اهلیت تصرف یا محجور نامیده می‌شود.

در نظام حقوقی ایران لازمه انعقاد قراردادهای مالی و حتی غیرمالی چه به صورت سنتی و چه به شیوه الکترونیکی، اهلیت کامل طرفین است. در صورتی که یکی از طرفین فاقد اهلیت باشد، عقد حسب مورد غیرنافذ یا باطل خواهد بود. ماده ۲۱۲ قانون مدنی نیز مبین این امر است و با اعلان حکم بطلان در معنای عام (عدم نفوذ و بطلان)، اهلیت را در انعقاد قراردادهای مالی ضروری

۱. الإيجاب والقبول كل تعبير عن الإرادة يُستعمل لإنشاء العقد.

۲. أما النشر والاعلان وبيان الاسعار الجارية التعامل بها وكل بيان آخر متعلق بعرض او بطلبات موجهة للجمهور او لافراد فلا يعتبر عند الشك ايجاباً وانما يكون دعوة الى التعاقد.

شناسایی کرده است.

قانون‌گذار صرفاً نسبت به عقود غیرمالی سفیه با مسامحه برخورد کرده و قراردادهای او را منوط به تنفیذ قیم نکرده است؛ زیرا فرض بر این است که سفیه عقل معاش نداشته و تصرفات مالی عاقلانه‌ای نمی‌کند، اما در امور غیرمالی خود دارای درک و شعور است (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۲۱۰). بنابراین، وفق نظر قانون‌گذار، معاملات غیرمالی الکترونیکی سفیه مانند قرارداد خدمات آموزشی الکترونیکی، قرارداد استخدامی غیرانتفاعی الکترونیکی و قرارداد وکالت الکترونیکی و... قابلیت انعقاد دارد.

در حقوق امارات نیز نگرش مشابهی در خصوص اهلیت وجود دارد. ماده ۸۵ قانون مدنی امارات بیان می‌کند که هرکس به سن رشد برسد و از توانایی عقلانی برخوردار باشد، کامل‌الاهلیت محسوب می‌شود و می‌تواند حقوق خود را به اجرا بگذارد. در بند ۲ همین ماده، سن رشد ۲۱ سال تمام قمری اعلام می‌شود. مضافاً، در مواد ۸۶ و ۸۷ این قانون بیان شده است که هرکس به سن تمیز (۷ سال تمام قمری) رسیده باشد، اما به سن رشد نرسیده باشد یا به سن رشد رسیده باشد، اما دچار سفاهت باشد، ناقص‌الاهلیت شناخته می‌شود. بر اساس ماده ۸۵ و بر اساس سیاق مواد ۸۶، ۸۷ و ۸۸، افرادی که کامل‌الاهلیت نباشند، یعنی دچار عدم تمیز (عدم تشخیص بین درست و غلط یا خوب و بد)؛ خواه به دلیل صغر سن یا جنون یا اختلالات روانی باشند و اشخاص کمتر از ۲۱ سال قمری، ناقص‌الاهلیت یا فاقد اهلیت تصرف هستند و نمی‌توانند حقوق خود را اجرا کنند. همچنین، در ماده ۱۶۹ قانون مدنی امارات مشابه شخص سفیه، واژه‌ای تحت عنوان «معتوه»^۱ آمده که انجام امور حقوقی و معاملات او محدود شده است.

مطابق ماده ۸۵ قانون مدنی امارات، اهلیت کامل برای انعقاد قرارداد الکترونیکی الزامی است. در صورتی که متعاقد، صغیر غیرممیز باشد، تصرفات مالی او به‌طور کلی باطل (ماده ۱۵۸ قانون مدنی امارات) و در صورتی که ممیز باشد، تصرفاتی که به نفع محض او باشد، صحیح و در صورت که به ضرر محض او باشد، باطل است. در مواردی که نفع و ضرر متغیر است، عقد غیرنافذ و منوط به اجازه ولی اوست (ماده ۱۵۹ قانون مدنی امارات). با وحدت ملاک از احکام فوق می‌توان طبق

۱. شخصی که دچار نقص عقلی است بدون آنکه دیوانه باشد (فیومی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص. ۲۰۴).

مراد قانون‌گذار امارات، معاملات سفیه در امور مالی را همچون صغیر ممیز و معاملات مجنون را به دلیل فقدان قصد، در ردیف معاملات صغیر غیرممیز قرار داد. در روند معاملات الکترونیکی، اهلیت باید تا هنگام تحقق آخرین رکن انعقاد قرارداد یعنی اعلان قبول وجود داشته باشد و منتفی شدن آن پس از ایجاب و قبل از اعلان قبول، موجب عدم انعقاد قرارداد می‌شود. ماده ۴۹۸ قانون مدنی امارات در این باره بیان می‌دارد اگر خریدار قبل از قبول، اهلیت خود را از دست بدهد، معامله منعقد نمی‌شود. به عبارتی، بنا بر این ماده اگر معامله توسط خریدار صرفاً قبول شود، عقد واقع می‌شود.

۳.۲. معین و معلوم بودن مورد معامله

قواعد حاکم بر مورد معامله در قراردادهای الکترونیکی، تابع قواعد عمومی قراردادهاست، لکن به دلیل شرایط خاص انعقاد قرارداد باید با دقت نظر بیشتری بررسی کرد. بر اساس قانون مدنی ایران مورد معامله باید مالیت و نفع عقلایی داشته (ماده ۲۱۵) و معلوم باشد (ماده ۲۱۶).

در قراردادهای الکترونیکی معمولاً مورد معامله توصیفی است و عینیت ندارد؛ یعنی پوشیده از چشم و احساس است و با ارائه تصاویر از موارد نمونه توصیف می‌شود (مظاهری و خادمی کوشا، ۱۴۰۱، صص. ۱۳ و ۷۳). همچنین، مورد معامله غالباً به صورت سلف و حتی کلی است و نقد نیست؛ هرچند که ثمن و پول معامله در اکثر موارد به صورت نقد پرداخت می‌شود. به تعبیر دیگر، در قراردادهای الکترونیکی عرضه‌کننده کالا و خدمات پس از پرداخت وجوه اعلام شده از جانب متقاضی به عنوان ثمن یا اجرت و... به حساب‌های اعلامی، اقدام به انجام تعهدات قراردادی می‌کند و قبل از این پرداخت، خود را مکلف به انجام تعهدی نمی‌داند. در این روش از انعقاد قراردادها، شرط صحت یا حتی تحقق قرارداد، پرداخت وجه است و همواره اعلام قبولی به ایجاب عام عرضه‌کننده، معمولاً با پرداخت همراه است؛ یعنی پرداخت وجه اعلامی، کاشف از قبول قرارداد است و تا زمانی که پرداخت صورت نگیرد، کاشف خارجی اعلام قبول به عنوان رکن قرارداد مفقود است و در نتیجه، عقد محقق نمی‌شود.

در ادامه، خریدار پس از تصمیم نهایی به انعقاد قرارداد، از طریق درگاه مشخص وارد پایگاه الکترونیکی تأمین‌کننده کالا و خدمات می‌شود و مشخصات کمی و کیفی مورد معامله را از تصاویر

ارائه شده به عنوان نمونه، بررسی و نسبت به آن اشراف پیدا می‌کند (احراز مشخصات لازم جهت انعقاد قرارداد). مطابق ماده ۳۵۱ قانون مدنی، رفع جهل نسبت به مشخصات مورد معامله (معلوم شدن)، در قراردادهای کلی لاجرم با ذکر اوصاف قراردادی محقق می‌شود. در این ماده آمده است که «در صورتی که مبیع کلی ... باشد، بیع وقتی صحیح است که مقدار و جنس و وصف مبیع ذکر بشود». بدیهی است که هدف غایی قانون‌گذار از وضع این ماده، رفع جهل و غرر نسبت به مورد معامله در عقد بیع بوده است که طریقت دارد و ذکر کردن اوصاف یکی از طرق آن است. بنابراین، با هر روش دیگری که امکان رفع جهل و غرر وجود داشته باشد، معلوم بودن محقق می‌شود مانند ارائه نمونه و انعقاد بیع از روی نمونه که در ماده ۳۵۴ قانون مدنی اشاره شده است.

در قراردادهای الکترونیکی نیز که عقد به صورت کلی منعقد می‌شود، انعقاد قرارداد باید با ارائه تصاویر یا ذکر مشخصاتی از مورد معامله در صفحات وب با اعلام ایجاب تا حدودی که رافع جهل نسبت به مورد معامله باشد، صورت گیرد.

مطابق ماده ۵۰ قانون تجارت الکترونیک ایران، تأمین‌کننده کالا موظف به ارائه اوصاف کمی و کیفی مورد معامله و تبلیغ صحیح از کالا است تا علم به اوصاف مورد معامله برای خریدار حاصل شود.

همچنین، ذیل ماده ۵۲ همین قانون آمده است «تأمین‌کننده باید به نحوی تبلیغ کند که مصرف‌کننده به طور دقیق، صحیح و روشن اطلاعات مربوط به کالا و خدمات را درک کند».

بنابراین، اوصاف کمی و کیفی از قرار جنس، وصف و مقدار عوض قراردادی باید به نحوی ارائه شود که مخاطب و مشتری آن را کاملاً درک کند و از وی رفع جهل شود. به عبارتی، انتشار عکس و تصاویر از مورد معامله در سامانه در صورتی عنصر معلوم بودن را محقق می‌سازد که مخاطب آن را درک کند و حتی صرف ارائه عکس را نمی‌توان دلیلی بر ارائه اوصاف کمی و کیفی دانست.

قانون مدنی امارات نیز به عنوان قانون عام و حاکم بر قراردادهای الکترونیکی، مقرر می‌دارد که مال مورد معامله باید مالیت معاملاتی داشته باشد (ماده ۹۵) و معامله نسبت به آن برای مسلمان غیرشرعی نباشد (ماده ۹۶). ذیل بخش ارکان قرارداد و در ماده ۱۲۹، در این خصوص آمده است که باید مورد معامله ممکن (قرارداد نسبت به آن امکان‌پذیر)، معین یا قابل تعیین و مجاز برای معامله باشد. برخلاف قانون مدنی ایران که علاوه بر معین بودن، معلوم بودن را در شرایط عمومی قراردادها ذکر کرده است، به نظر می‌رسد قانون‌گذار امارات با بی‌توجهی به عنصر معلوم بودن، به

تعیین مال مورد نظر به نحوی که مردد نباشد، اکتفا کرده است، اما در ادامه و در جهت تکمیل شرایط مورد معامله، ماده ۴۹۰ ذیل باب عقد بیع از کتاب دوم، بیان می‌دارد که «باید مقرر شود که مورد معامله برای خریدار معلوم باشد؛ به گونه‌ای که هرگونه جهل آشکار را از بین ببرد. مورد معامله باید از طریق بیان وضعیت، ویژگی‌های بارز و مشخصات آن برای خریدار معلوم شود. اگر مورد معامله حاضر باشد، اشاره به آن کافی است». با عنایت به قسمت نخست ماده و تأکید بر رفع جهل از مورد معامله، به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار از عبارت «وضعیت، ویژگی‌های بارز و مشخصات» ذکر مشخصات رفع‌کننده جهل یعنی جنس، وصف و مقدار مورد معامله است؛ زیرا مسکوت گذاردن هریک از این موارد موجب جهل به مورد معامله و در نتیجه، بطلان قرارداد می‌شود. قابل توجه است که حکم مندرج در ماده ۴۹۰ قانون امارات به عنوان قاعده‌ای عمومی بر تمام قراردادها حاکم خواهد بود و نمی‌توان صرفاً به استناد ماده ۱۲۹ قانون مدنی امارات، مالیت داشتن، مجاز و معین بودن مورد معامله را کافی دانست؛ زیرا احکام مقرر شده در باب بیع در صورت عدم مغایرت با احکام خاص سایر عقود به عنوان قاعده‌ای عام تلقی می‌شود و حکومت عام دارد.

توجه به صحت تبلیغات و ارائه داده‌ها در فضای الکترونیکی، در آیین‌نامه اجرایی قانون معاملات الکترونیکی و خدمات اعتماد مصوب ۲۰۲۳^۱ مورد توجه قرار گرفته است؛ امری که در قانون معاملات الکترونیکی ۲۰۲۱ به صراحت بیان نشده بود. با این حال، بند ۲ ماده ۱۵ این آیین‌نامه مقرر می‌کند که دارندگان مجوز باید در فعالیت‌ها، عملیات، ارائه و بازاریابی خدمات خود، رفتاری عادلانه و منصفانه داشته باشند. این امر شامل تعهد دارنده مجوز به عدم انتشار اطلاعات نادرست یا غیردقیق می‌شود. به عبارتی، ارائه‌دهنده باید اطلاعات دقیق و درست از جمله نسبت به مورد معامله را برای مشتریان ارائه دهد. همچنین، در ادامه، بند نخست ماده ۱۶ این آیین‌نامه تأکید می‌کند که «ارائه‌دهنده خدمات باید رفتار تجاری عادلانه، صادقانه و متخصصانه در چهارچوب کلیه فعالیت‌ها و عملیات خود داشته باشد». با بررسی و دقت نظر، قابل ملاحظه است که هرچند قواعد عمومی نسبت به مورد معامله در نظام حقوقی امارات پراکنده و با ضعف

۱. قرار مجلس الوزراء رقم (۲۸) لسنة ۲۰۲۳ بشأن اللائحة التنفيذية للمرسوم بقانون اتحادي رقم (۴۶) لسنة ۲۰۲۱ بشأن المعاملات الإلكترونية وخدمات الثقة.

روبه‌روست، در نظام حقوقی ایران این قواعد به‌طور کامل و با نظم ستودنی وضع شده است.

۴.۲. مشروعیت جهت معامله

مشروعیت جهت معامله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث حقوقی قراردادها، همواره مورد توجه قانون‌گذاران در کشورهای مختلف بوده است. در نظام حقوقی ایران انگیزه و داعی طرفین قرارداد باید مشروع باشد (ماده ۲۱۷ قانون مدنی). امام‌خمینی در این باره می‌فرماید در صورتی‌که متعاقدين برای امر نامشروعی توافق کنند، مرتکب حرام شده [اند] و عمل حقوقی آنان نیز فاسد (باطل) است (خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۲۲، ص. ۵۲۷). حقوق‌دانان ایران با اختلاف‌نظر نسبت به دامنه مبطلات جهت نامشروع، برخی قائل هستند زمانی جهت نامشروع موجب بطلان عقد است که به آن تصریح شود (شهیدی، ۱۳۹۳، ص. ۳۴۱) و به عقیده برخی دیگر، ظهور انگیزه و جهت نامشروع ولو آنکه تصریح نشود، اما از امارات مشخص شود، سبب بطلان عقد است (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۲، ص. ۲۴۳). در نظام حقوقی فرانسه قانون‌گذار با وضع مواد ۱۱۲۸ و ۱۱۶۲ در قانون مدنی، تلویحاً مشروعیت جهت قرارداد را مقرر کرده است. در ماده ۱۱۲۸، واژه جهت که در قانون سابق وجود داشت، به معنای کلی‌تر «محتوای»^۱ قرارداد تغییر داده شده، اما با پیش‌بینی ماده ۱۱۶۲، صحبت از هدف^۲ در قرارداد را به میان آورده است که قرابت معنایی با جهت در انعقاد قرارداد دارد.

قانون مدنی امارات در بند ۳ ماده ۱۲۹، در این باره بیان می‌کند که «تعهدات ناشی از قرارداد باید دارای سبب مشروع باشند»^۳. در ادامه اینکه منظور از سبب تعهد چیست، ماده ۲۰۷ بیان می‌دارد که «سبب، هدف مستقیم و مورد قصد قرارداد است»^۴. در ادامه همین ماده آمده است که «سبب باید موجود، معتبر و قانونی بوده و با نظم عمومی یا اخلاق حسنه مغایرت نداشته باشد». همچنین، در ماده ۲۰۹ بیان شده است که قرارداد باید دارای سببی موجود، معتبر و مشروع باشد. با عنایت به مواد فوق، قانون‌گذار امارات در ماده ۱۲۹ قانون مدنی، واژه «سبب» را به کار

1. Contenu

2. But

۳. أن يكون للالتزامات الناشئة عن العقد سبب مشروع.

۴. السبب هو الغرض المباشر المقصود من العقد.

برده و معادل آن را در نسخه انگلیسی قانون مدنی، «Cause» دانسته و مشروعیت آن را لازم و از ارکان صحت قرارداد تلقی کرده است. در توضیح این واژه، در ماده ۲۰۷ نسخه عربی بیان کرده که منظور از سبب، غرض متعاقد است و در متن انگلیسی، غرض را «Purpose» ترجمه کرده است. قابل ملاحظه است که بررسی تفصیلی این عبارات از دو جهت اهمیت بسزایی دارد. نخست اینکه، در نظام حقوقی امارات متأسفانه منابع زیادی یافت نمی‌شود و با کمبود و فقر ادبیات حقوقی در تفسیر قانون مواجه هستیم و باید بر اساس شناخت قواعد موجود و مبانی آن دست به تفسیر نزدیک به مراد قانون‌گذار زد. دوم اینکه، تفکیک جهت و سبب معامله آثار مختلفی دارد؛ زیرا جهت معامله ناظر به داعی و انگیزه متعاقد و جنبه شخصی دارد در صورتی که سبب معامله، نوعی و در تمام قراردادها یکسان است. اگر مشروعیت متذکر در ماده ۱۲۹ قانون امارات صرفاً سبب معامله تلقی شود، انگیزه نامشروع طرفین قرارداد تأثیری در عقد ندارد ولو آنکه به این جهت نامشروع تصریح شود. به عبارتی، با توجه به عدم وجود نص قانونی در خصوص مشروعیت جهت، ممکن است دو دیدگاه مطرح شود. اول اینکه، قانون‌گذار امارات را در مقام بیان اراده تصور کرد و عدم تصریح به لزوم مشروعیت جهت معامله را کاشف از آن دانست که قانون‌گذار تنها مشروعیت سبب معامله را مهم و مؤثر در قرارداد می‌داند و نامشروع بودن جهت معامله تأثیری در قرارداد ندارد. نگاه دوم این است که عدم تصریح به لزوم مشروعیت جهت معامله را به دلیل بداهت عقلی و فقهی آن توجیه کرد و مدعی شد که قانون‌گذار آن را مفروض و آن‌قدر بدیهی دانسته که در قانون ذکر نکرده و در تمام قراردادها لازم‌الرعایه است.

برای گریز از این تفسیرهای چندگانه که ممکن است موجد تالی فاسد باشد، نظر به نسخ عربی و انگلیسی و واژگان به کار برده شده، بهتر است عبارت «سبب» را در قانون امارات که در ماده ۲۰۷، «هدف» تلقی شده است، در معنای عام و ناظر به جهت معامله و سبب تعهد دانست؛ با این توضیح که سبب در معنای خاص خود، موجد امری است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۴۵۸)، اما هدف غایت انجام عمل یعنی در بردارند اهداف آن عمل است. سبب تعهد به معنای عام یعنی سبب تعهد و جهت معامله در این ماده همخوانی و قرابت بیشتری با قانون مدنی امارات دارد؛ زیرا از سویی ناظر به هدف نوعی قرارداد است که امری عرفی است و از سوی دیگر، هم‌راستا با ماده ۱ است. نظام حقوقی امارات مبتنی بر مذاهب اسلامی (مالکی، حنبلی، شافعی و حنفی) است و

تفسیر بر خلاف مبانی فقهی اساساً پذیرفتنی نیست. از طرفی توجه به اصول حقوقی ازجمله اصل صحت و اصل لزوم قراردادهای در تفسیر قرارداد ضرورت دارد.

نتیجه‌گیری

ورود فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به عرصه حقوق خصوصی، مفاهیم سنتی قرارداد و سازوکارهای انعقاد آن را با تحولی عمیق مواجه ساخته است. قراردادهای الکترونیکی به‌عنوان یکی از مظاهر بارز این تحول نه صرفاً نوعی جدید از قرارداد، بلکه شیوه‌ای نوین برای تلاقی اراده‌ها در بستر غیرمادی و مجازی هستند که توانسته‌اند بر محدودیت‌های زمانی و مکانی غلبه یابند و بستر کارآمدی برای تسهیل مبادلات تجاری و خدماتی فراهم سازند. در این میان، نظام‌های حقوقی به‌ویژه نظام‌های متکی بر فقه اسلامی مانند ایران و امارات، ناگزیر از بازخوانی، تفسیر و توسعه مفاهیم فقهی و حقوقی خود برای پاسخ‌گویی به اقتضائات نوین هستند.

در نظام حقوقی ایران با وجود تصریح قانون تجارت الکترونیکی بر اعتبار قراردادهای الکترونیکی، ادبیات فقهی و حقوقی موجود هنوز به‌طور کامل درگیر تبیین مبانی صحت این نوع قراردادها نشده است و در بسیاری موارد، تحلیل‌ها به سطح قواعد تکنیکی و صوری محدود مانده‌اند. این پژوهش با تحلیل عمیق منابع فقهی به‌ویژه در خصوص عقود معاطاتی، اثبات می‌کند که انعقاد قرارداد از طریق ابزارهای غیرلفظی ازجمله تعاملات داده‌ای در بستر پلتفرم‌ها، بر اساس دیدگاه غالب فقهی، مشروع و نافذ است و می‌تواند مبتنی بر قصد و رضای طرفین منعقد شود. اصل رضایی بودن در این بستر تقویت‌کننده اعتبار قراردادهای الکترونیکی است؛ به‌ویژه آنگاه که با تحلیل دقیق مفاد مواد قانونی ایران و امارات و بررسی فتاوی فقهای مذاهب اسلامی همراه شود.

در نظام حقوقی امارات نیز به‌رغم محدودیت‌های ناشی از کمبود ادبیات حقوقی-تحلیلی و تفسیرهای رسمی، با تکیه بر ساختار حقوق مدنی مبتنی بر فقه اهل سنت و تصویب قوانین جامع در زمینه معاملات الکترونیکی، بستر مناسبی برای پذیرش اعتبار قراردادهای الکترونیکی فراهم آمده است. تحلیل مواد قانونی مانند مواد ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۶ و ۲۰۷ قانون مدنی امارات و قانون معاملات الکترونیکی مصوب ۲۰۲۱، نشان می‌دهد که قانون‌گذار امارات نیز از منظر شکلی و محتوایی، اصل رضایی بودن، اصل مشروعیت سبب و اصل آزادی شکل انعقاد قرارداد را پذیرفته و با نگاهی هماهنگ با قواعد فقهی، مشروعیت شیوه‌های نوین انعقاد قرارداد را به رسمیت شناخته

است. از حیث تطبیقی، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هم در نظام فقهی امامیه و هم در مذاهب اربعه اهل سنت که مبنای قوانین امارات است، اصل اباحه به‌عنوان پشتوانه فقهی برای پذیرش روش‌های نوظهور انعقاد قرارداد (ازجمله قراردادهای الکترونیکی)، مستمسک مناسب و درخور است؛ مشروط بر آنکه با مقاصد شریعت و منافع و اقتضائات عمومی ناسازگار نباشند. در تفسیر اصل صحت نیز این نکته برجسته است که شک در روش انعقاد و ابزار ابراز اراده مادامی‌که اصل قصد و اراده موجود باشد، موجب فساد عقد نیست. بنابراین، اصل صحت نه‌تنها ابزاری برای تفسیر قراردادهای مشکوک، بلکه قاعده‌ای اساسی برای پذیرش مشروعیت قراردادهای الکترونیکی است. درنهایت، اصل آزادی قراردادی که هم در فقه امامیه مستندات محکم دارد و هم در حقوق امارات و اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون بیع کالا مصوب ۱۹۸۰ و استفاده از ارتباطات الکترونیکی مصوب ۲۰۰۵ مورد تأکید قرار گرفته، بیان‌کننده این است که طرفین نه‌تنها در تعیین نوع و محتوای قرارداد، بلکه در انتخاب روش انعقاد آن نیز آزادند؛ البته مشروط به رعایت حدود شرع، نظم عمومی و اخلاق حسنه. لازم به ذکر است که رویکرد این پژوهش، درنهایت، بیان‌کننده قابلیت استناد به منابع فقهی و استنباط احکام معاملاتی منطبق با اقتضائات عرفی و احکام شرعی در تمام ابواب معاملات است.

درمجموع، قراردادهای الکترونیکی به‌رغم تفاوت‌های شکلی با قراردادهای سنتی، در پرتوی اصول فقهی و حقوقی می‌توانند از اعتبار و الزام‌آوری برخوردار باشند و با توسعه زیرساخت‌های حقوقی و تقنینی، به بستری مطمئن برای تحقق اراده‌های خصوصی در دنیای دیجیتال تبدیل شوند.

منابع

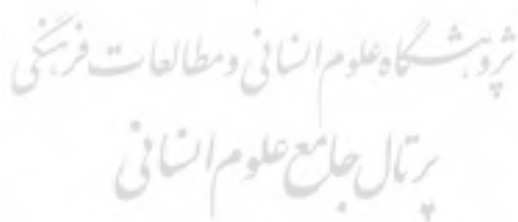
- (۱) قرآن کریم.
- (۲) آخوند خراسانی، محمدکاظم (بی‌تا). کفایة الاصول (جلد ۱). چاپ ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
- (۳) آل بورنو، محمدصدقی (۱۴۲۴ق). موسوعة القواعد الفقهیه (جلدهای ۲ و ۵). چاپ ۱، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- (۴) آمدی، محمدبن علی (۱۴۲۴ق). الاحکام فی اصول الاحکام (جلد ۱). چاپ ۱، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
- (۵) ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب (جلدهای ۱ و ۲). چاپ ۳، بیروت: دار صادر.
- (۶) انصاری (شیخ)، مرتضی (۱۴۱۴ق). رسائل فقهیه (جلد ۱). چاپ ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- (۷) انصاری (شیخ)، مرتضی (۱۴۱۵ق). مکاسب (جلد ۶). چاپ ۱، قم: مؤسسه کنگره جهانی شیخ انصاری.
- (۸) انصاری، محمدعلی (۱۴۱۵ق). الموسوعة الفقهية الميسرة (جلد ۱). چاپ ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- (۹) ایروانی، میرزاعلی (۱۳۸۴). حاشیه‌المکاسب (جلد ۱). چاپ ۱، تهران: کیا.
- (۱۰) بحر العلوم، سیدمحمد مهدی (۱۴۰۳ق). بلغة الفقيه (جلد ۱). چاپ ۴، تهران: مکتبه‌الصادق (علیه‌السلام).
- (۱۱) البحرانی، شیخ یوسف (۱۴۲۵ق). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة (جلد ۱۸). چاپ ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- (۱۲) بختیاروند، مصطفی (۱۳۸۷). انعقاد قرارداد الکترونیک و حمایت از مصرف‌کننده. فصلنامه حقوق، ۴۱ (۱)، صص. ۱۱۵-۱۲۵.
- (۱۳) برجی، یعقوب علی (۱۳۷۴). نگاهی به دسته‌بندی باب‌های فقه. مجله فقه اهل بیت، ۳، صص. ۲۴۱-۲۶۲.
- (۱۴) بنانیاسری، ماشالله (۱۳۸۵). تشکیل قرارداد در فضای سایبر؛ مقدمه‌ای بر حقوق تجارت الکترونیک. فصلنامه بصیرت، ۱۲ (۳۵)، صص. ۵۱-۶۹.
- (۱۵) جزایری، سیدمحمد جعفر (۱۴۱۵ق). منتهی الدرایة فی توضیح الکفایة (جلد ۵). چاپ ۲، قم: دارالکتاب جزایری.
- (۱۶) الجواهری، الشیخ حسن (۱۴۴۰ق). وجهوده فی الفقه المعاصر (جلد ۱). چاپ ۱، بغداد: الرافد للمطبوعات.
- (۱۷) حبیب‌زاده، طاهر (۱۳۹۰). حقوق فناوری اطلاعات؛ حقوق قراردادهای در گستره قراردادهای الکترونیک. چاپ ۱، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- ۱۸) الحسینی المیلانی، السیدعلی (۱۴۲۵ق). استخراج المرام من استقصاء الافحام (جلد ۱). چاپ ۱، قم: چاپخانه شریعت.
- ۱۹) حمدی، حسین (۱۳۹۸). روش‌شناسی استاد جعفری لنگرودی در وجودشناسی اعمال حقوقی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۲ (۵)، صص. ۲۱۱-۲۲۹.
- ۲۰) ختام، حفیظ (۲۰۲۳م). الحرية التعاقدية: هل تُعد حقاً أساسياً؟ قراءة في نصوص القانون التونسي. مجله جامعة الامارات للبحوث القانونية، (۹۵)، صص. ۲۶۹-۲۹۲.
- ۲۱) الخطيب الشربيني الشافعي، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق). مغنی المحتاج الى معرفة معانی الفاظ المنهاج (جلد ۲). چاپ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۲۲) خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۳۴ق). تحریر الوسیله (جلد ۲۲). چاپ ۳، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۲۳) خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). مصباح الاصول (جلد ۳). چاپ ۱، قم: مکتبه‌الدوری.
- ۲۴) الدبیان، دبیان بن محمد (۱۴۳۲ق). المعاملات المالية اصالة و معاصرة (جلد ۵). چاپ ۳، ریاض: مکتبه‌الملک فهد الوطنیه.
- ۲۵) ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد (۱۳۶۹). تشریح المطالب؛ شرح فارسی بر مکاسب (جلد ۵). چاپ ۱، قم: حاذق.
- ۲۶) رضوی، سیدمحمد (۱۴۰۲). وضعیت «بیع بدون ثمن»؛ مطالعه تطبیقی فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران. دوفصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، ۶ (۲)، صص. ۲۰۳-۲۲۵. doi: 10.22034/mfu.2024.139930.1347
- ۲۷) روحانی، محمدصادق (۱۴۲۰ق). منهاج الفقاهة (جلد ۳). چاپ ۱، قم: دارالفکر.
- ۲۸) سالم، کمال بن السید (۲۰۰۳م). صحیح فقه السنه و ادلته و توضیح مذاهب الاثمه (جلد ۴). چاپ ۱، قاهره: المکتبه‌التوفیقیه.
- ۲۹) السان، مصطفی و رضایی، علی (۱۳۸۶). تحلیل کلی کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین المللی (با تأکید بر قابلیت الحاق ایران). پژوهش‌نامه بازرگانی، ۱۲ (۴۵)، صص. ۲۳-۵۵.
- ۳۰) شفیعی نسب، سیده صدیقه، قربانی، محمدعلی و رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۴۰۱). بررسی مفهوم و ماهیت قرارداد الکترونیکی در فقه امامیه و حقوق ایران. مجله پژوهش‌های فقهی، ۱۸ (۳)، صص. ۷۳۱-۷۱۱. doi: 10.22059/jorr.2021.315977.1009002
- ۳۱) شهیدی، مهدی (۱۳۹۳). تشکیل قراردادها و تعهدات. چاپ ۱۰، تهران: مجد.

- (۳۲) صفایی، سیدحسین و قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۹۴). حقوق مدنی؛ اشخاص و محجورین. تهران: سمت.
- (۳۳) طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۳۷۰). حاشیه‌المکاسب (جلد ۱). چاپ ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- (۳۴) طبرسی (شیخ)، فضل‌بن‌حسن (۱۴۰۸ق). مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن (جلد ۳). چاپ ۲، بیروت: دارالمعرفة.
- (۳۵) العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین‌بن‌علی (۱۴۱۰ق). الروضة‌البهیة فی شرح‌المعتمدالدمشقیة (جلد ۳). چاپ ۱، قم: مؤسسه النشرالاسلامی.
- (۳۶) العسقلانی، ابن حجر (۱۳۷۹). فتح‌الباری بشرح صحیح‌البخاری (جلد ۱۳). چاپ ۱، بیروت: دارالمعرفة.
- (۳۷) علیدوست، ابوالقاسم (۱۴۰۲/۳/۷). درس خارج اصول فقه. جلسه ۹۵، سال ۲.
- (۳۸) فیومی، احمدبن‌محمد (۱۴۱۸ق). المصباح‌المنیر (جلد ۱). چاپ ۲، بیروت: المكتبة‌العصریة.
- (۳۹) الفاری، ملاعلی (۱۴۲۲ق). مرعاة‌المفاتیح شرح مشکاة‌المصابیح (جلد ۸). چاپ ۱، بیروت: دارالفکر.
- (۴۰) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). قواعد عمومی قراردادها؛ مفهوم، انعقاد و اعتبار قرارداد. چاپ ۲، تهران: گنج دانش.
- (۴۱) کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱). قواعد عمومی قراردادها (جلد ۲). چاپ ۶، تهران: گنج دانش.
- (۴۲) المرغینانی، علی‌بن‌ابی‌بکر (۱۴۱۷ق). الهدایة شرح بدایة‌المبتدی (جلد ۳). چاپ ۱، کراچی: اداره القرآن والعلوم‌الاسلامیة.
- (۴۳) مشفق، زهرا (۱۴۰۱). فرصت‌ها و چالش‌های همکاری ایران و امارات. مجله امنیت اقتصادی، ۱۰ (۴)، صص. ۴۱-۵۰.
- (۴۴) مظاهری، رسول و خادمی کوشا، محمدعلی (۱۴۰۱). قراردادهای الکترونیکی از دیدگاه فقه و حقوق. چاپ ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- (۴۵) مقامی‌نیا، محمد (۱۳۹۱). نحوه انعقاد قراردادهای الکترونیکی و ویژگی‌های آن. مجله دانش حقوق مدنی، (۱)، صص. ۸۵-۹۸.
- (۴۶) المقدسی، ابن قدامه (۱۳۸۸). المغنی (جلد ۳). چاپ ۱، قاهره: مكتبة‌القاهرة.
- (۴۷) موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷). القواعد‌الفقهیة (جلد ۳). چاپ ۱، قم: نشرالهادی.
- (۴۸) مؤذنی، حمید و کیخا، محمدرضا (۱۴۰۰). توسعه و تضییق در احکام معاملات در پرتوی مقتضیات عرفی و مقاصد شرعی. مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۴ (۱)، صص. ۱۸۳-۲۰۳. doi:

10.22059/jjfil.2021.307487.668985

- 49) Jung, G. Y. (2000). Korea's electronic transaction law: A comparative study. *Korean Journal of International Law and Comparative Law*, 28, 75-102.
- 50) Mohammed, N. (1988). Principles of Islamic contract law. *Journal of Law and Religion*, 6(1), 115-130.
- 51) Panagariya, A. (2000). E-commerce, WTO and developing countries (Policy Issues in International Trade and Commodities Study Series No. 2). United Nations Conference on Trade and Development.
- 52) Reed, C. (2011). Making contracts electronically. In *Electronic commerce and the law* (pp. 37-64). Cambridge University Press.
- 53) Rosas, R. (2004). Comparative study of the formation of electronic contracts in American law with references to international and Mexican law. *Houston Journal of International Law*, 26(2), 65-105.
- 54) Tedoradze, I. (2017). The principle of freedom of contract, pre-contractual obligations legal review: English, EU and US law. *European Scientific Journal*, 13(4), 62-77. doi: 10.19044/esj.v13n4p62



References

- 1) The Holy Quran.
- 2) Afsar al-Bahrani, Sheikh Yousef (1425 AH/2004). *al-Ḥadā'iq al-Nāḍirah fi Ahkām al-'Itrah al-Ṭāhirah* (Vol. 18) (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office [in Arabic].
- 3) Akhund Khorasani, Mohammad Kazem (n.d.). *Kifāyat al-Uṣūl* (Vol. 1) (1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute [in Arabic].
- 4) Al Borno, Mohammad Sidqi (1424 AH/2003). *Mawsū'at al-Qawā'id al-Fiqhiyah* (Vols. 2 & 5) (1st ed.). Beirut: Al-Resalah Publishers [in Arabic].
- 5) Amidi, Mohammad ibn Ali (1424 AH/2003). *al-Iḥkām fi Uṣūl al-Ahkām* (Vol. 1) (1st ed.). Beirut: Dar Al-Fikr [in Arabic].
- 6) Amili (Shahid Sani), Zayn al-Din ibn Ali (1410 AH/1989). *al-Rawḍah al-Bahiyah fi Sharḥ al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* (Vol. 3) (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office [in Arabic].
- 7) Ansari (Sheikh), Morteza (1414 AH/1993). *Rasā'il Fiqhiyah* (Vol. 1) (1st ed.). Qom: Majma' al-Fikr al-Islami [in Arabic].
- 8) Ansari (Sheikh), Morteza (1415 AH/1994). *al-Makāsib* (Vol. 6) (1st ed.). Qom: World Congress of Sheikh Ansari Institute [in Arabic].
- 9) Ansari, Mohammad Ali (1415 AH/1994). *al-Mawsū'at al-Fiqhiyah al-Muyassarah* (Vol. 1) (1st ed.). Qom: Majma' al-Fikr al-Islami [in Arabic].
- 10) Asqalani, Ibn Hajar (1379 AH/1959). *Fath al-Bārī bi-Sharḥ Ṣaḥīḥ al-Bukhārī* (Vol. 13) (1st ed.). Beirut: Dar al-Ma'rifah [in Arabic].
- 11) Bahr al-Olum, Seyyed Mohammad Mahdi (1403 AH/1983). *Bulghat al-Faqīh* (Vol. 1) (4th ed.). Tehran: Maktabat al-Sadiq [in Arabic].
- 12) Bakhtiyarvand, Mostafa (1387 SH/2008). *In'iqād-e Qarārdād-e Iliktirūnik va Ḥimāyat az Mašraf-kunandah* [Execution of Electronic Contract and Consumer Protection]. *Faslnameh-ye Hoquq* [Law Quarterly], 41(1), pp. 115-125 [in Persian].
- 13) Banasery, Mashallah (1385 SH/2006). *Tashkīl-e Qarārdād dar Fazā-ye Sāybir; Muqaddamah'ī bar Ḥuqūq-e Tijārat-e Iliktirūnik* [Formation of Contract in Cyberspace: An Introduction to Electronic Commerce Law]. *Faslnameh-ye Basirat* [Basirat Quarterly], 12(35), pp. 51-69 [in Persian].
- 14) Borji, Yaqoubali (1374 SH/1995). *Nigāhī bih Dastah-bandī-ye Bābhā-ye Fiqh* [A Look at the Categorization of Jurisprudential Chapters]. *Majalleh-ye Feqh-e Ahl-e Bayt* [Ahl al-Bayt Jurisprudence Journal], 3, pp. 241-262 [in Persian].
- 15) Dabyan, Dabyan ibn Mohammad (1432 AH/2011). *al-Mu'āmalāt al-Māliyah Aṣālah wa-Mu'āṣarah* (Vol. 5) (3rd ed.). Riyadh: King Fahd National Library [in Arabic].
- 16) Elsan, Mostafa & Rezaei, Ali (1386 SH/2007). *Taḥlīl-e Kullī-ye Kunvānsiyūn-e Sāzmān-e Milal-e Muttahid Darbārah-ye Istifādah az Irtibātāt-e Iliktirūnikī dar Qarārdādhā-ye Bayn al-Milālī (bā Ta'kid bar Qābiliyat-e Ilhāq-e Īrān)* [General Analysis of the United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts (With Emphasis on the Possibility of Iran's Accession)]. *Pazhuhesh-nameh-ye Bazargani* [Commercial Research

- Journal], 12(45), pp. 23-55 [in Persian].
- 17) Fayoumi, Ahmad ibn Mohammad (1418 AH/1997). *al-Miṣbāḥ al-Munīr* (Vol. 1) (2nd ed.). Beirut: Al-Maktabah al-Asriyah [in Arabic].
 - 18) Habibzadeh, Taher (1390 SH/2011). *Huqūq-e Fanāvarī-ye Ittilā'āt; Huqūq-e Qarārdādhā dar Gustarah-ye Qarārdādhā-ye Iliktirūnik* [Information Technology Law: Contract Law in the Scope of Electronic Contracts] (1st ed.). Tehran: Islamic Consultative Assembly Research Center [in Persian].
 - 19) Hamdi, Hossein (1398 SH/2019). *Ravish-shināsī-ye Ustād Ja'fari Langarūdī dar Vujūd-shināsī-ye A'māl-e Huqūqī* [Methodology of Professor Jafari Langroudi in the Ontology of Legal Acts]. *Faslnameh-ye Tahqiq va Tose'eh dar Hoquq-e Tatbiqi* [Research and Development in Comparative Law Quarterly], 2(5), pp. 211-229 [in Persian].
 - 20) Hosseini Milani, Seyyed Ali (1425 AH/2004). *Istikhrāj al-Marām min Istiqṣā' al-Afhām* (Vol. 1) (1st ed.). Qom: Shariat Press [in Arabic].
 - 21) Ibn Manzur, Mohammad ibn Mukarram (1414 AH/1993). *Lisān al-'Arab* (Vols. 1 & 2) (3rd ed.). Beirut: Dar Sader [in Arabic].
 - 22) Irvani, Mirza Ali (1384 SH/2005). *Hāshiyat al-Makāsib* (Vol. 1) (1st ed.). Tehran: Kia [in Arabic].
 - 23) Jawahiri, Sheikh Hasan (1440 AH/2018). *Wa-Juhūduh fī al-Fiqh al-Mu'āshir* (Vol. 1) (1st ed.). Baghdad: Al-Rafid Printing House [in Arabic].
 - 24) Jazairi, Seyyed Mohammad Jafar (1415 AH/1994). *Muntahā al-Darāyah fī Tawḍīḥ al-Kifāyah* (Vol. 5) (2nd ed.). Qom: Dar al-Kitab Jazairi [in Arabic].
 - 25) Jung, G. Y. (2000). Korea's electronic transaction law: A comparative study. *Korean Journal of International Law and Comparative Law*, 28, 75-102.
 - 26) Katouzian, Nasser (1398 SH/2019). *Qavā'id-e 'Umūmī-ye Qarārdādhā; Mafhūm, In'iqād va I'tibār-e Qarārdād* [General Rules of Contracts: Concept, Formation, and Validity of Contract] (2nd ed.). Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
 - 27) Katouzian, Nasser (1401 SH/2022). *Qavā'id-e 'Umūmī-ye Qarārdādhā* (Vol. 2) [General Rules of Contracts] (6th ed.). Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
 - 28) Khatam, Hafidh (2023). *al-Ḥurriyah al-Ta'āqudiyyah: Hal Tu'ad Haqqan Asāsīyan? Qirā'ah fī Nuṣūṣ al-Qānūn al-Tūnisī*. *Majallat Jāmi'at al-Imārāt li-al-Buḥūth al-Qānūniyah* [Emirates University Journal for Legal Research], (95), pp. 269-292 [in Arabic].
 - 29) Khatib Shirbini Shafii, Mohammad ibn Ahmad (1415 AH/1994). *Mughnī al-Muḥtāj ilā Ma'rifat Ma'ānī Alfāḥ al-Minhāj* (Vol. 2) (1st ed.). Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah [in Arabic].
 - 30) Khoei, Abolqasem (1413 AH/1992). *Miṣbāḥ al-Uṣūl* (Vol. 3) (1st ed.). Qom: Maktabat al-Dawari [in Arabic].
 - 31) Khomeini, Seyyed Ruhollah (1434 AH/2013). *Taḥrīr al-Wasīlah* (Vol. 22) (3rd ed.). Qom: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [in Arabic].
 - 32) Maqaminia, Mohammad (1391 SH/2012). *Naḥvah-ye In'iqād-e Qarārdādhā-ye Iliktirūnikī va Vīzhagihā-ye Ān* [How Electronic Contracts are Concluded and

- Their Characteristics]. *Majalleh-ye Danesh-e Hoquq-e Madani* [Civil Law Knowledge Journal], (1), pp. 85-98 [in Persian].
- 33) Maqdisi, Ibn Qudamah (1388 SH/2009). *al-Mughnī* (Vol. 3) (1st ed.). Cairo: Maktabat al-Qahirah [in Arabic].
 - 34) Marghinani, Ali ibn Abi Bakr (1417 AH/1996). *al-Hidāyah Sharḥ Bidāyat al-Mubtadī* (Vol. 3) (1st ed.). Karachi: Idarat al-Quran wa-al-Ulum al-Islamiyah [in Arabic].
 - 35) Mazahiri, Rasoul & Khademi Koosha, Mohammad Ali (1401 SH/2022). *Qarārdādihā-ye Iliktirūnikī az Dīdgāh-e Fiqh va Huqūq* [Electronic Contracts from the Perspective of Jurisprudence and Law] (2nd ed.). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy [in Persian].
 - 36) Moazzeni, Hamid & Keikha, Mohammad Reza (1400 SH/2021). *Tavassi'ah va Taẓyīq dar Ahkām-e Mu'āmalāt dar Partaw-e Muqtaẓayāt-e 'Urfī va Maqāṣid-e Shar'ī* [Expansion and Restriction in Transaction Rules in Light of Customary Requirements and Sharia Objectives]. *Majalleh-ye Feqh va Mabani-ye Hoquq-e Eslami* [Journal of Islamic Jurisprudence and Law Principles], 54(1), pp. 183-203. doi: 10.22059/jjfil.2021.307487.668985 [in Persian].
 - 37) Mohammed, N. (1988). Principles of Islamic contract law. *Journal of Law and Religion*, 6(1), 115-130.
 - 38) Moshfeq, Zahra (1401 SH/2022). *Furṣathā va Chālīshhā-ye Hamkāri-ye Īrān va Amārāt* [Opportunities and Challenges of Cooperation Between Iran and the UAE]. *Majalleh-ye Amniyat-e Eqtesadi* [Economic Security Journal], 10(4), pp. 41-50 [in Persian].
 - 39) Mousavi Bojnourdi, Seyyed Hasan (1377 SH/1998). *al-Qawā'id al-Fiqhiyah* (Vol. 3) (1st ed.). Qom: Nashr-e al-Hadi [in Arabic].
 - 40) Olidoust, Abolqasem (1402 SH/2023). *Dars-e Khārij-e Uṣūl-e Fiqh* [Advanced Course in the Principles of Jurisprudence]. Session 95, Year 2 [in Persian].
 - 41) Panagariya, A. (2000). *E-commerce, WTO and developing countries (Policy Issues in International Trade and Commodities Study Series No. 2)*. United Nations Conference on Trade and Development.
 - 42) Qari, Mulla Ali (1422 AH/2001). *Mirqāt al-Mafātīḥ Sharḥ Mishkāt al-Maṣābiḥ* (Vol. 8) (1st ed.). Beirut: Dar Al-Fikr [in Arabic].
 - 43) Razavi, Seyyed Mohammad (1402 SH/2023). *Vaẓ'iyat-e "Bay'-e Bedūn-e Saman"; Muṭāla'ah-ye Taṭbīqī-ye Fiqh-e Mazāhib-e Islāmī va Huqūq-e Īrān* [The Status of "Sale Without Price": A Comparative Study of Islamic Sects Jurisprudence and Iranian Law]. *Doufaslnameh-ye Motaleat-e Tatbīqi-ye Feqh va Osoul-e Mazahib* [Biannual Journal of Comparative Studies in Jurisprudence and Principles of Islamic Denominations], 6(2), pp. 203-225. doi: 10.22034/mfu.2024.139930.1347 [in Persian].
 - 44) Reed, C. (2011). Making contracts electronically. In *Electronic commerce and the law* (pp. 37-64). Cambridge University Press.
 - 45) Rosas, R. (2004). Comparative study of the formation of electronic contracts in American law with references to international and Mexican law. *Houston Journal of International Law*, 26(2), 65-105.

- 46) Rouhani, Mohammad Sadiq (1420 AH/1999). Minhāj al-Faqāhah (Vol. 3) (1st ed.). Qom: Dar Al-Fikr [in Arabic].
- 47) Safaei, Seyyed Hossein & Ghasemzadeh, Seyyed Morteza (1394 SH/2015). Ḥuqūq-e Madanī; Ashkhāṣ va Maḥjūrīn [Civil Law: Persons and Incapable Persons]. Tehran: SAMT [in Persian].
- 48) Salem, Kamal ibn al-Sayyid (2003). Ṣaḥīḥ Fiqh al-Sunnah wa-Adillatuh wa-Tawḍīḥ Mazāhib al-A'imma (Vol. 4) (1st ed.). Cairo: Al-Maktabah al-Tawfiqiyah [in Arabic].
- 49) Shafieinasab, Seyyedeh Sedeqeh, Ghorbani, Mohammad Ali & Rahman Setayesh, Mohammad Kazem (1401 SH/2022). Barrasī-ye Mafhūm va Māhiyat-e Qarārdād-e Iiktirūnīkī dar Fiqh-e Imāmiyah va Ḥuqūq-e Īrān [Investigating the Concept and Nature of Electronic Contract in Imami Jurisprudence and Iranian Law]. Majalleh-ye Pazhuhesh-haye Feqhi [Jurisprudential Researches Journal], 18(3), pp. 711-731. doi: 10.22059/jorr.2021.315977.1009002 [in Persian].
- 50) Shahidi, Mehdi (1393 SH/2014). Tashkīl-e Qarārdādhā va Ta'ahhudāt [Formation of Contracts and Obligations] (10th ed.). Tehran: Majd [in Persian].
- 51) Tabarsi (Sheikh), Fazl ibn Hasan (1408 AH/1988). Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān (Vol. 3) (2nd ed.). Beirut: Dar al-Ma'rifah [in Arabic].
- 52) Tabatabaei Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem (1370 SH/1991). Ḥāshiyat al-Makāsib (Vol. 1) (4th ed.). Qom: Esmaeilian Institute [in Arabic].
- 53) Tedoradze, I. (2017). The principle of freedom of contract, pre-contractual obligations legal review: English, EU and US law. European Scientific Journal, 13(4), 62-77. doi: 10.19044/esj.v13n4p62
- 54) Zehni Tehrani, Seyyed Mohammad Javad (1369 SH/1990). Tashrīḥ al-Maṭālib; Sharḥ-e Fārsī bar Makāsib (Vol. 5) (1st ed.). Qom: Haziq [in Persian].



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی